

## بزهکاری زنان و روسپی‌گری

### فصل اول - بزهکاری زنان<sup>۱</sup>

#### ۱- اهمیت موضوع بزهکاری زنان

چرا این موضوع برای این نئیسمال انتخاب شده و این مبحث چه اهمیتی دارد؟

۱- در حقوق بشر، در میثاقین حقوق بشر، بر برابری انسانها، صرفنظر از جنسشان تأکید مؤکد شده است. جنس، نمی‌تواند سبب تنزل یا ارتقاء مقام شود، پس تبعیض جنسی نقض حقوق بشر است. یکی از فصلهای مهم حقوق بشر، حقوق زنان است، چون زنان به دلایل فرهنگی و سنتی در همه کشورها، در سایه و لطف مردان و برای مردان و در اختیار آنها بوده‌اند در حالی که میثاق حقوق بشر مخالف آن می‌باشد و زن را مکمل و شریک مرد می‌داند و ناقص بودن و وابسته بودن زن به مرد را نفی می‌کند.

۲- در حقوق کیفری ما که از فقه جزایی گرفته شده است، در امر شهادت، در بزه‌دیدگی و بزهکاری بعضی از جرایم، زنان با مردان حقوق برابر ندارند. آیا این متفاوت بودن در حقوق، در جرم‌شناسی هم قابل توجیه است؟

۳- در حقوق بین‌الملل در جهت رعایت حقوق زنان (و بعد هم کودکان)، قطعنامه‌های گوناگون از جمله کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) وجود دارد.

۴- در کشور ما به رغم وجود موانع ساختاری، وضعیت تحصیلات زنان و حضور در مشاغل، تغییر پیدا کرده است. زنان استقلال مالی پیدا نموده، پایگاه اجتماعی

دانشگاه امام صادق (ع)

دانشگاه مفید قم

دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

تقریرات درس

# جرم‌شناسی

(بزهکاری زنان و روسپی‌گری)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم

نرگس السادات روح‌الامین (دانشجوی دانشگاه مفید)

شهید شاطری پوراصفهان‌نی (دانشجوی دانشگاه امام صادق)

بازخوانی:

بتول پاکزاد (دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی)

نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۴-۸۳

<sup>۱</sup> - برای مطالعه تفصیلی فصل (۱) به: قاسمی مقدم - حسن، «تقریرات درس جرم‌شناسی - بزهکاری زنان» نیمسال نخست ۸۴-۱۳۸۳، جلد دوم مباحثی در علوم جنایی مراجعه نمایید.

## جرم‌شناسی ۱۸۹۵

کسب کرده و از خانه بیرون آمده‌اند. آیا دستیابی زنان به این حقوق در کشور ما سبب ارتکاب جرائم بیشتری می‌شود؟

برابر شدن نسبی موقعیت زنان و مردان و بطور نسبی عدم احتیاج زن به نفقه مرد و پیدا کردن موقعیت اقتصادی زنان چه تفاوتی در بزهکاری ایجاد کرده است؟

این تحولات اجتماعی در پرتو جنبشهای اجتماعی تحقق یافته است. در این رابطه ما شاهد جنبش فمینیستی و برابر خواهی زن و مرد هستیم که این جنبش مثل لابی و گروه فشار بر قانونگذار تأثیر گذاشته است. برای مثال افزایش سن زنان برای ازدواج از ۹ به ۱۳ سال که مجمع تشخیص مصلحت جدیداً تصویب کرده حاصل این تلاشها بوده است.

۵- واقعه سیاسی دوم خرداد ۷۶ که زنان در آن حضور داشتند و به دنبال دولت اصلاحات، ما شاهد شکل‌گیری NGO های زنان، با شعار رفع تبعیض و برابری، کسب حقوق برابر و به چالش گذاشتن قانونگذار می‌باشیم.

۶- دلیل دیگر اهمیت این موضوع، حضور زنان در دنیای بزهکاری، اعتیاد، قاچاق، فرار از خانه، فرار از همسر، پدیده زنان خیابانی و بزه‌دگی زنان مثل قاچاق دختران، ازدواج اجباری، بهره‌کشی جنسی و ... است.

چنانکه قانون‌گذار ما در تیر ماه ۱۳۸۳، قانون مبارزه با قاچاق انسان را تصویب کرد؛

ماده ۱ مقرر می‌کند: «خارج یا وارد کردن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به داخل و خارج به منظور فحشا، ازدواج اجباری، برداشت اعضا از موارد قاچاق انسان است.»

قاچاق معادل Trafficking می‌باشد، چه با رضایت چه بی رضایت. مانند وقتی که فردی، تعدادی زن را برای عمل جنسی به کشور دیگر می‌برد یا از داخل ترانزیت

## ۱۸۹۶ مباحثی در علوم جنایی

می‌کند. ترانزیت مانند اینکه فرد ایرانی از پاکستان زنی می‌آورد، از ایران عبور می‌دهد و به بهانه کار یا مهمانداری و در حال ترانزیت، زن را مجبور به فحشا می‌کند.

بین قوادی و قاچاق چگونه تفکیک می‌شود؟ این بحث، فنی است. قوادی عنوانی شرعی است و قاچاق جرم جدید، تعریزی نو و مدرن. پس بحث ما در بزهکاری زنان یادآور جرایم زنانه است.

علت اختصاص فصل خاص به زنان، به دلایل فرهنگی، اجتماعی است، علت اینکه جرم‌شناسان در فرضیه‌های خود زنان را وارد نکردند، متأثر از فرهنگ شان می‌باشد.

طبق باورها زن، ضعیفه است، باید حمایت شود. زن مجرم نیست. بدین خاطر در جرم‌شناسی، مطالعات زنان دیرتر آغاز شده و بزهکاری زنان نسبت به بزهکاری مردان یک استثنا است و باعث اختصاص یک فصل خاص به آن شده است.

جرم‌شناسی هم مانند سایر علوم انسانی بی تأثیر از باورهای فرهنگی، عرفی و ... نبوده است.

در باور قرن ۱۹، در اصل مردان و کبار، مرتکب جرم می‌شوند و زنان و اطفال استثناء هستند.

## ۲- توجیه و بررسی جنس و بزهکاری

در ابتدا لازم به توضیح است که دو واژه جنس<sup>۱</sup> و جنسیت<sup>۲</sup> با یکدیگر متفاوت هستند. منظور از «جنس مؤنث» همان ویژگیهای بیولوژیک و فیزیولوژیک زنانه است اما واژه «جنسیت» به جنبه‌های حقوقی و اجتماعی متمایز عیان زنان و مردان اشاره دارد. اصطلاح جنسیت از دست‌آوردهای جنبش فمینیستی است.

<sup>۱</sup> - Sex

<sup>۲</sup> - Gender

## جرم‌شناسی ۱۸۹۷

با توجه به جنبش‌های فمینیستی و حقوق بشری و تحولات صنعتی و اجتماعی، شرایط زیستی و محیطی زنان به شرایط هستی مردان نزدیک شد. این قرابت سبب شد، زنان از محیط بسته به محیط‌های جدید وارد شوند. این جابجایی شرایط جدیدی را بوجود آورد و ویژگیهای آنها را تحت‌الشعاع قرار داد. پذیرفتن مسئولیت‌های سیاسی و اقتصادی سبب شد، تا اندازه‌ای خصوصیات زنانه جنس زن نسبت به زمانی که در خانه بود، تغییری نسبی در شرایط زنان ایجاد کند. این فرضیه که شرایط برابر مساوی رفتار برابر است، (شرایط روی هم رفته برابر، مساوی رفتار روی هم رفته برابر) در نهایت سبب نزدیک شدن زنان به مردان در بزهکاری شد.

اصولاً جرم‌شناسی در بستری متولد شد که حضور زن در بزهکاری مفروض نبود و این پیشداوری سبب گردید که فرض شود، زن بزهکار نیست و بزه‌دیده است. بنابراین در تئوری‌های اولیه مردان بزهکارند و مطالعات بر مردان بزهکار متمرکز بوده است.

بعد دیگر، بزه‌دیدگی زنان است. جرم دو طرف دارد بزهکاری و بزه‌دیدگی.

بزه‌دیده یا شاکی بطور جزئی در بحث‌های ما وارد شده و حال آنکه کلیه مباحث حقوق کیفری در مورد بزهکار است؛ از قبیل: تعدد، تکرار، عوامل موجهه و ... در صورتی که روی دیگر جرم، بزه‌دیده است. از مجنی علیه یا بزه‌دیده در حقوق ما، بیشتر ذیل عنوان شاکی و مدعی خصوصی یاد شده است. (بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و تبصره ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری) اگر این چند استثنا را کنار بگذاریم، در آیین دادرسی کیفری صحبت از شاکی است. آیا شاکی، همواره بزه‌دیده است؟ همواره مجنی علیه است؟ خیر (مانند اولیای دم مقتول که شاکی هستند). اصولاً روی دیگر جرم، بزه‌دیده است و این موضوع در سی سال اخیر از زاویه جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناختی بررسی شده است بزه‌دیده از دو زاویه بررسی می‌شود:

## ۱۸۹۸ مباحثی در علوم جنایی

۱- عامل و الهام بخش جرم: ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در بند ۳ به رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه اشاره دارد.

۲- بزه‌دیده شناسی حمایتی: کسی که از جرم متضرر شده، مستحق حمایت و دستگیری است. بند ۶ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، اقدام متهم برای التیام را از مصادیق حمایت از متهم ذکر کرده است، که متهم می‌بایستی خسارت را جبران کند.

## ۳- دلایل اهمیت طرح موضوع بزه‌دیدگی زنان

۳-۱- جنس مؤنث به عنوان عامل بزه‌دیده‌زا

در بزه‌دیده شناسی می‌خواهیم ببینیم زن بودن و جنس مؤنث به عنوان عامل بزه‌دیده‌زا هست یا خیر؟ آیا در شرایط برابر، زنان و مردان بطور مساوی قربانی می‌شوند؟

بطور کلی دو عامل در بزه‌دیده شناسی مؤثر است:

۱- صغر سن و کودکی

۲- زن بودن و مؤنث بودن

جرم علیه کودک یا زن رخ می‌دهد: در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی آمده است «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود ...» اگر این ماده نبود آیا با توجه به مواد دیگر نمی‌توانستیم از آنها حمایت کنیم؟ البته که می‌توانستیم، ولی چون زنان آسیب‌پذیرترند و در معابر عمومی بیشتر در معرض توهین هستند از آنها حمایت شده است.

قانون در جهت حمایت از زنان، با پیش فرض حمایتی و آسیب‌پذیرتر بودن، جرایم ارتكابی علیه آنها را تشدید و مجازات می‌کند؛ مثل ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی که مجازات جرم آدم ربایی در صورت صغر سن را تشدید می‌کند و این، نوعی حمایت خاص از این گروه می‌باشد.

## جرم‌شناسی ۱۸۹۹

در مباحث بزه‌دیده‌شناسی، صاحبان مشاغل خاصی بیشتر از مشاغل دیگر در معرض بزه‌دیدگی هستند؛ معلمان، رانندگان تاکسی، آموزگاران مدارس و روانپزشکان، چون با قشر خاص سرو کار دارند، یا ساعات کارشان متنوع است در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند.

۳-۲- در جرایم کلسیمی و خشونت بار، زنان همچون بره‌ای در برابر گرگ، مطلوب بزه‌کاران هستند. زنان به دلیل قبول مسئولیت‌های جدید زمینه مشارکت خود را افزایش می‌دهند در نتیجه، زمینه اصطکاک بالا رفته و به لحاظ موقعیت اجتماعی، بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند.

اگر قبلاً خشونت‌های خانگی اتفاق می‌افتاده اکنون این خشونت از طرف رئیس، عابر و ... اتفاق می‌افتد.

در فرانسه عنوان ذله کردن جنسی<sup>۱</sup>، اذیت و آزار، خسته کردن (بدون تماس و توهین و تجاوز) جرم‌انگاری شده است، مانند وقتی که کارفرما یا رئیس با منشی خود (بدون رضایت او) رفتار حاکی از علاقه نشان می‌دهد. قانون‌گذار فرانسوی با توجه به اینکه زنان بیشتر در کارهای اداری‌اند، جرم خاصی را با این عنوان تدوین کرده است.

بزه‌دیدگی زنان، اکنون از این نظر اهمیت دارد که زنان از نظر محیطی جابه‌جا شده‌اند.

۳-۳- بزه‌دیدگی زنان از این جهت اهمیت دارد که تالی فاسدش از نظر معنوی و روانی، آثار جبران‌ناپذیرتری بر زنان نسبت به مردان دارد. موارد رقم سیاه آن نسبت به بزه‌دیدگی مردان بیشتر است. بسیاری از زنان از ابراز بزه‌دیدگی اکراه دارند و بیشتر مخفی می‌کنند و تا سالها از آن رنج می‌برند.

## ۱۹۰۰ مباحثی در علوم جنایی

بنابراین بررسی بزه‌دیدگی، از نظر هزینه اجتماعی و روانی که بر زنان تحمیل می‌شود اهمیت خاصی دارد.

۳-۴- اصولاً مراجع صالح حقوق و محاکم در هنگام پذیرش شاکی زن، از نظر فرهنگی رفتار متفاوتی نسبت به آنها دارند. از نظر قضایی شاکی زن و مرد متفاوت است؛ و این نوعی بزه‌دیدگی دیگر برای زنان به حساب می‌آید. زنان شاکی و بزه‌دیده، با رفت و آمد در مراجع قضایی برای بار دوم بزه‌دیده می‌شوند (به دلیل رفتار وکیل، پلیس و ...). مثلاً زنانی که به دلیل خشونت از شوهر شکایت می‌کنند، متعاقباً بزه‌دیده ثانویه می‌شوند و از آنها سوء استفاده می‌شود و به حقوق آنها رسیدگی نمی‌شود، چون مراجع صالحه فضای مرد سالارانه دارند و برای عده‌ای از ضابطین قضایی، شکایت زن از مرد قابل قبول نیست.

۳-۵- سوء استفاده‌ای که مردان از زنان برای قاچاق، بهره‌کشی و بردگی می‌کنند. پروتکل الحاقی جرایم سازمان یافته (پالرمو) بر قاچاق انسانها و بویژه قاچاق زنان و اطفال تأکید دارد.

قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب تیر ۸۳ در راستای حمایت از زنان برای مبارزه با اعزام زنان به کشورهای همسایه و اجبار به فحشا و ازدواج اجباری و قاچاق اعضاء می‌باشد.

در پدیده قاچاق برای بهره‌کشی، زنان اولین و کودکان دومین بزه‌دیده می‌باشند. ۳-۶- خشونت خانوادگی - خانگی (Domestic Violence) از دو حالت خارج نیست: الف- والدین علیه اطفال ب- شوهر علیه زن. (دو گروه آسیب‌پذیر براساس صغر سن و جنس مؤنث).

خشونت، رقم سیاه بالایی دارد. به خصوص در ایران که شعار «بسوز و بساز» نیز مطرح است و موارد زیادی از خشونت‌ها منعکس نمی‌شود. جرایم بسیاری ریشه در این خشونت‌ها دارد. این خشونت‌ها جرماً و در کیفیت تربیت کودکان مؤثر هستند.

<sup>۱</sup> - Harcèlement Sexuel

## جرم‌شناسی ۱۹۰۱

امروزه با در نظر گرفتن این نکته که زنان با توجه به تحصیلات و کار، هویتی مستقل نسبت به همسرشان پیدا کرده‌اند، نسبت به گذشته بیشتر از خود دفاع می‌کنند و بدین‌سان در قوانین جدید صحبت از خشونت جنسی<sup>۱</sup> نیست، بلکه صحبت از خشونت جنسیتی<sup>۲</sup> است.

خشونت جنسی یا خشونت سفید هم از طرف شوهر نسبت به زن و هم زن نسبت به شوهر با به کار بردن الفاظ، قابل ارتکاب است.

اگر برابری زن و مرد را با توجه به منشور بین‌المللی حقوق بشر پذیرفته‌ایم، دلیلی ندارد از خشونت جنسی صحبت کنیم. بلکه بنا به برابری زن و مرد باید صحبت از عنوان مجرمانه‌ای کنیم که شامل هر دو شود و پیشداوری نباشد. خشونت جنسیتی عنوان مجرمانه‌ای است که هر دو جنس را شامل می‌شود.

آیا از منظر قضایی در رفتار پلیس نسبت به این دو قشر تفاوت وجود ندارد؟ آیا قاضی که با آنها روبرو می‌شود، از نظر فرهنگی بیشتر مایل نیست دختر را قربانی و فریب خورده و مرد را مجرم بداند و زن را مشمول تخفیف و تعلیق قرار دهد؟

در اینگونه جرایم از نظر سنت قضایی، گرایش به بزه‌دیده دانستن و قربانی مرد دانستن وجود دارد و معمولاً احکام ارفاقی دیده می‌شود. همانطور که در قانون ما هم بعضاً مجازات زن در مواردی کمتر تعیین شده است. در دنیای بزهکاری براساس آمار، تفاوت آشکار بین زن و مرد وجود دارد. برای مقایسه در فرانسه، در مقابل هر ۴۲۰ زن عادی یک زن بزهکار و در مقابل هر ۵۰ مرد عادی ۱ مرد بزهکار وجود دارد. همچنین در برابر هر ۱۰ مرد بزهکار، ۱ زن بزهکار وجود دارد. آیا بزهکاری واقعی هم همینگونه است؟

## ۱۹۰۲ مباحثی در علوم جنایی

کسب اطلاع از شرایط بزهکاری زنان و چگونگی ارتکاب جرم به ما کمک می‌کند تا از جرایم آنها پیشگیری کنیم. آیا پیشگیری زنان با مردان متفاوت است؟ پس یکی از فواید بحث ما پیشگیری است.

### ۴- ویژگی‌های بزهکاری زنان

۴-۱- حضور زنان در پدیده مجرمانه اندک است. علت حضور کم زنان را به خصوصیات زیستی، روانی، جامعه‌شناختی، موقعیت زنان، علل فرهنگی و آداب و رسوم مربوط می‌دانند. علت دیگر، بالا بودن رقم سیاه بزهکاری زنان است. زنان معمولاً مرتکب جرایم غیرعلنی و آپارتمانی می‌گشوند و اگر هم مرتکب جرایم علنی و خیابانی بشوند براساس پیش‌داوریهای مراجع قضایی و پلیس نسبت به زن بزهکار، آنها مورد اغماض قرار می‌گیرند. (تبعیض مثبت به نفع زنان). همچنین معمولاً زنان بزه‌دیده به دلیل مسائل فرهنگی از شکایت طفره می‌روند.

۴-۲- خصوصیت دوم در ماهیت و طبیعت جرایم ارتكابی آنهاست. بعضی جرایم زنان ارتباط با زن بودن و مادر بودن آنها دارد. مانند فرزندکشی<sup>۱</sup> و کودک آزاری<sup>۲</sup> که زنان به خاطر موقعیت خود مرتکب می‌شوند. کودکان بیشتر در کنار مادرند. مادر کودک را اگر مطابق میلش نباشد، سقط یا او را نابود می‌کند.

در جرایم زنانه، کسانی که بزه‌دیده واقع می‌شوند، قدرت دفاع ندارند. دسته دیگر، جرایم درارتباط با خصیصه جنسی، مانند روسپیگری است. روسپیگری زنانه قدیمی‌ترین پدیده است ولی امروزه با توجه به جنبشهای حقوق بشری و حق متفاوت بودن خود فروشی مردانه امری عادی جلوه می‌کند، ولی زنان بیشتر از مردان به خودفروشی دست می‌زنند. از جرایم جنسی که امروزه زنان هم

<sup>۱</sup> - Infanticide

<sup>۲</sup> - Child abuse

<sup>۱</sup> - Sexual Violence

<sup>۲</sup> - Gender Violence

## جرم‌شناسی ۱۹۰۳

مرتکب می‌شوند، می‌توان به جرم بچه‌بازی<sup>۱</sup> و تجاوز به عنف<sup>۲</sup> که توسط زنان علیه کودکان و نوجوانان و مردان انجام می‌گیرد، اشاره نمود.

از جرایم مالی که زنان بیشتر مرتکب می‌شوند می‌توان به احراق، کلاهبرداری، سرقت از فروشگاهها و خرید و فروش اموال مسروقه اشاره نمود.

زنان به دلیل کدبانوگری یا وظیفه خرید خانه، در سرقت از فروشگاهها بیشتر نقش دارند. از طرفی ضابطین نسبت به زن کمتر مظنون می‌شوند. به همین دلیل قاچاقچیان بیشتر از زنان و کودکان استفاده می‌کنند، زیرا زنان در صورت دستگیری از اغماض و گذشت برخوردارند.

۳-۴- سومین خصوصیت بزهکاری زنان شیوه مشارکت زنان در ارتکاب جرم می‌باشد. ارتکاب جرم توسط زنان غالباً همراه با دیگران است و کمتر به تنهایی مباشرت می‌کنند و بیشتر معاون می‌باشند یا با نیرنگ یا تحریک موجب جرم می‌شوند. زنان به لحاظ مسائل فیزیکی در جرایم خاصی حضور دارند یعنی جرایمی که نیروی فیزیکی چندانی نیاز ندارد. در برخی جرایم زنان نقش وسیله ارتکاب جرم را دارند مانند قاچاق مواد مخدر و کالا که از زنان به عنوان رابط یا باربر استفاده می‌شود.

۴-۴- ویژگی چهارم بزهکاری زنان این است که از نظر تکرار جرم، نرخ کمتری دارند. زنان بیشتر مرعوب مجازات و دستگاه پلیس می‌شوند و کمتر جرم را تکرار می‌کنند.

## ۱۹۰۴ مباحثی در علوم جنایی

### ۵- پیشینه تاریخی مطالعات بزهکاری زنان

از نظر تاریخ جرم‌شناسی، اولین کتاب، در این زمینه ۲۰ سال بعد از کتاب انسان بزهکار لومبروزو (منشور جرم‌شناسی) نوشته شد.

در سال ۱۸۹۶ با توجه به انتقادات وارده به لومبروزو او به همراه فررو کتاب «زن بزهکار و زن روسپی» را نوشت. نویسندگان این عقیده را داشتند که صحبت از زن بزهکار فقط یا اکثراً در روسپیگری است.

زنان بیشتر حضور در روسپیگری و خودفروشی دارند و کمبود خود را در سایر جرایم با روسپیگری جبران می‌کنند.

تفکیک زن بزهکار و روسپی در عنوان کتاب، برای این است که اگر زنان در اختلاس و سایر جرایم نقش ندارند، در عوض از نظر آماری در روسپیگری فعال هستند.

این کتاب، کتابی مفصل و مرجع است. از جمله دیگر کتابهای نوشته شده در رابطه با بزهکاری زنان کتاب «زن بزهکار» آقای گارنیه در سال ۱۹۰۶، کتاب «دختران ناسازگار» آقای توماس در سال ۱۹۲۳ و کتاب «بزهکاری زنان» اتو پلاک در سال ۱۹۵۰ که جنبه کلاسیک دارد و کتاب «روح زن و بزهکاری» نوشته جینالومبروزو در سال ۱۹۲۹ می‌باشد.

این نویسندگان تا سال ۱۹۵۰ همه مرد بودند، اما از سالهای ۱۹۶۰ به بعد با ظهور جنبش فمینیستی به تدریج جرم‌شناسی زنان از دست مردان گرفته و بدست زنان داده شد. زنانی که مبارز سیاسی به نفع زنان هستند و کتابهایشان عاری از موضع‌های سیاسی علیه مردان نیست. مثلاً در کتابهای فمینیستی، زنان بزهکار نیستند، اما چون در جامعه مرد سالار زندگی می‌کنند قربانی مردانند. شرایط اختناق آنها را وادار به مجرم

<sup>۱</sup> - Pedophilia

<sup>۲</sup> - Forcible rape

## جرم‌شناسی ۱۹۰۵

شدن می‌کند. این ناشی از شرایط جامعه مرد سالارانه است. آنها منکر بزهکاری زنانند و می‌گویند باید از بزه‌دیدگی زنان صحبت شود.

در جوامع بشری رئیس خانواده مرد می‌باشد چون زن در اختیار و تحت سلطه مرد است. فمینیست‌ها معتقدند جرم‌انگاری روسپیگری، زمینه‌ای است برای کیفر دادن زنان در حالی که روسپیگری جرم مردانه است.

تحت تأثیر فمینیست‌ها، موضع‌گیری سیاسی و موضع‌گیری علیه مردان و به نفع زنان را می‌بینیم. البته بعضی جنبش‌ها افراطی و رادیکال و معتقد به حذف مردان می‌باشند.

امروزه پیشرفتهای زیستی، روانی و جامعه‌شناختی سبب شده که فیزیولوژی زن دستخوش تغییر شود؛ مثلاً وسایل جلوگیری از بارداری، مباح کردن سقط جنین، امکان دست‌کاری‌های پزشکی در زن، امکان لقاح مصنوعی، اجاره رحم، خرید و فروش اوول و نطفه که تحولی در زمینه پزشکی می‌باشد.

## ۶- دیدگاه‌های مختلف نسبت به بزهکاری زنان

رویکردهای مختلف نسبت به بزهکاری زنان را می‌توان در دو گروه قرار داد:

۱- رویکردهای سنتی نسبت به بزهکاری زنان که از زاویه علت‌شناسی و با یک نگرش بالینی به بررسی موضوع پرداخته‌اند. توضیحات زیست‌شناختی و روانشناختی و جامعه‌شناختی راجع به بزهکاری زنان در این گروه قابل توجه می‌باشد.

۲- رویکرد انتقادی در تحلیل بزهکاری زنان، که از اهم مطالعات این گروه می‌توان به بررسی‌های انجام شده از زاویه واکنش اجتماعی اشاره نمود که به مطالعه مجازات، رفتار و رویه قضایی پرداخته و جرم را محصول قانون و قانونگذار و عملکرد نهادهای مختلف عدالت کیفری می‌دانند.

در ادامه به بررسی رویکردهای سنتی و جرم‌شناسیهای واکنش اجتماعی در این خصوص می‌پردازیم.

## ۱۹۰۶ مباحثی در علوم جنایی

### ۶-۱- رویکردهای سنتی نسبت به بزهکاری زنان

در کتابهایی که نام برده شد از سه منظر و رویکرد به موضوع بزهکاری زنان پرداخته شده است:

#### ۶-۱-۱- رویکرد زیست‌شناختی

رویکرد زیست‌شناختی پرداختن به بزهکاری در بستر زیست‌شناسی و پزشکی (نگاه پزشک به بیمار) است. بیمار کسی است که دارای تفاوت‌های بیولوژیکی، اندامی و ... است. لذا زنان از زاویه فیزیولوژیکی خاص خود در مطالعات بررسی شدند.

لومبروزو اشاره می‌کند که طبیعت و فیزیولوژی زنان باعث شده که از زن به عنوان عنصر مرموز و خطرناک نامبرده شود. خصوصیات زن نیز به همین فیزیولوژی زنانه مربوط می‌شود.

لومبروزو معتقد است زنان ۵ بار در طول زندگی خود وقایعی را تجربه می‌کنند و این وقایع بر خلق و خوی آنها اثر می‌گذارد:

۱- بلوغ ۲- عادت ماهیانه ۳- یائسگی ۴- حاملگی ۵- زایمان

زایمان اوج فیزیولوژی زن است. زن در ادواری از زندگی ضعیف، پرخاشگر و منفعل است و بزهکاری زن باید در پرتو این وقایع فیزیولوژیکی بررسی شود.

زنان در این دورانها دچار انفعال و ضعف هستند و زودتر مرتکب جرم می‌شوند و رؤیت‌پذیری‌شان نسبت به دوره‌های دیگر بیشتر است. در دوره‌های سه گانه بلوغ، عادت ماهیانه و یائسگی بزهکاری زنان نرخ رو به رشدی دارد. چون تحرک‌پذیری، بی‌ثباتی و پرخاشگری زنان در این دوره‌ها افزایش می‌یابد و حتی قدرت تحریک‌کنندگی زنان نیز افزایش می‌یابد. این دوره‌های متاز زنان هم در خلق و خو و روانشناسی زنان و هم در نیروی فیزیکی و جسمی آنها تغییر ایجاد می‌کند. اما عده‌ای معتقدند این دوره‌ها از این جهت قابل مطالعه هستند که زنان در این دوره‌ها

## جرم‌شناسی ۱۹۰۷

آسیب‌پذیرتر می‌شوند و بنابراین راحت‌تر دستگیر می‌شوند نه اینکه واقعاً تمایلات مجرمانه بیشتری پیدا بکنند.

زنان از نظر فیزیکی ضعیف‌ترند و در جرایم یدی حضور اندکی دارند. توجیه دیگر کم‌تر بودن بزهکاری زنان، مطالعات مربوط به اختلالات کروموزومی است. در دهه ۶۰، مطالعات بزهکاری نشان داد، مجرمین خطرناک دچار اختلال کروموزومی اند اما همه مجرمین سریالی اختلال کروموزومی ندارند.

در هر سلول انسان ۲۳ جفت کروموزوم وجود دارد. ۲۲ جفت اول (اتوزوم) در مرد و زن یکسان است. جفت ۲۳ (گونوزوم) و مربوط به جنس می‌باشد که در زن، XX و در مرد، XY نام دارد. در شرایط عادی هر سلول عادی ۴۶ کروموزوم دارد اما در بعضی انسانها جفت ۲۳ کم و زیاد می‌شود.

این اختلالات کروموزومی در زن XX تبدیل به X و تعداد آن ۴۵ تا می‌شود. این قبیل زنان مبتلا به سندروم ترنر هستند. کروموزوم جفت ۲۳ در این افراد، فرد است. از نظر بدنی تناسب اندامی ندارند، عقیم هستند و قد کوتاه دارند. در مقابل سندرم ترنر، سندرم کلاین فیلتر در مردان وجود دارد که تعداد کروموزوم‌ها ۴۷ کروموزوم و یا ۴۸ (XX Y) عدد می‌باشد. مردان مبتلا به سندرم کلاین فیلتر ناهنجاری بدنی دارند، سندرمها دارای رشد غیرعادی است. این مردان دچار عقب‌ماندگی ذهنی می‌باشند و اختلال کروموزومی زمینه ارتکاب جرم را در آنها فراهم می‌کند. نتیجه اینکه اختلالات کروموزومی در زنان منجر به بزهکاری بیشتر نمی‌شود. زیرا کروموزوم کم باعث ضعف فیزیکی آنها می‌شود و بزهکاری نیز در آنها کاهش می‌یابد. اما امروزه رابطه اختلالات کروموزومی و بزهکاری زیر سؤال رفته است زیرا هر مردی که اختلال کروموزومی دارد، لزوماً مرتکب جرم نمی‌شود و از طرف دیگر همه مجرمین هم دارای اختلالات کروموزومی نیستند.

## ۱۹۰۸ مباحثی در علوم جنایی

به طور کلی مطالعه رابطه بین طبیعت زن و بزهکاری زنان از طریق مطالعه تأثیر وقایع ممتاز زندگی زن یا اختلالات کروموزومی امروزه زیر سؤال رفته است. هم به دلیل عدم لحاظ عامل فرهنگی و هم به دلیل کشفیات علمی جدید که برخلاف دیدگاههای سابق است.

ایرادی که وارد شده این است که در مطالعات لومبروزو، فیزیولوژی زن در بستری سخت و متنوع از جامعه بررسی شده، در حالی که انسان محصول محیط است و وقایع ۵ گانه در بستر جامعه، فصول و جغرافیا تحت تأثیر قرار می‌گیرد و همواره ثابت نیست و فرهنگ، آداب و رسوم و عرف نیز بی‌تأثیر نیست.

همانطور که در بعضی اقوام زنان در دوره ماهیانه هیچ دردی ندارند، پس زنان می‌توانند در دوره‌ای شرایطی مشکل داشته باشند و در دوره‌ای نه و این به دلیل ملاحظات فرهنگی است. از طرفی بلوغ در ایران، سوئد و عربستان یک زمان نیست.

در جهت رد نظرات فیزیولوژیکی، مطالعات نشان داده که در فرانسه سن بلوغ افزایش و سن یائسگی کم شده ولی تفاوتی در نرخ بزهکاری پدید نیامده است. زنان، امروزه فرزندان کمتری دارند، کمتر شیر می‌دهند. در نتیجه تعداد دوران ماهیانه بیشتر شده ولی تغییری در بزهکاری ایجاد نشده است.

### ۶-۱-۲- رویکرد روانشناختی

لومبروزو و فررو حضور کم و نامحسوس زن در بزهکاری را در ویژگی‌های شخصیتی - روانی زن بررسی کرده‌اند. از جمله:

۱- هوش و استعداد کمتر نسبت به مردان

۲- فقدان خلاقیت و نوآوری به دلیل کمی IQ و کمی کارکرد مغز

۳- بالا بودن درجه اخلاقی آنها نسبت به مردان؛ رعایت اخلاق در زنان ذاتی

است. زنان بیشتر اخلاقی هستند و این ترمزی در برابر جرمی است.

۴- خصوصیت محافظه‌کاری و ریسک ناپذیری



۵- منفعل بودن

۶- فرمانپذیر و مطیع و اطاعت پذیر بودن (زنان در امور کنشی حضور ندارند و بیشتر واکنشی هستند)

در این چهارچوب آقای گینز در ۱۹۸۶ در کتاب «عوامل فرهنگی و بزهکاران» در ادامه نظریات لمبروزو دو دسته غریزه را مطرح می‌کند؛

۱- غرایز قدرت<sup>۱</sup> با خصوصیات تندخویی، اعتماد به نفس، کنجکاری، شادی، قدرت جنسی و ...

۲- غرایز ضعف<sup>۲</sup> با خصوصیات ترس، منفعل بودن، غم و اندوه، لطافت، فرمانپذیری آسیب‌پذیر بودن.

زنان دارای غرایز ضعف (بی‌توانی) می‌باشند پس کمتر بزهکارند و بیشتر بزه‌دیده‌اند.

در مجموع نظریه‌پردازان زیستی و روانی معتقدند که زن با دنیای بزهکاری بیگانه و طبیعت زن مخالف جرم است. تنها جرم زنان روسپیگری است که مطابق طبیعت زنان است و اگر این جرم هم نباشد زنان به دلیل خصایص فیزیکی، زیستی و روانی مجرم نیستند.

### ۶-۱-۳- رویکرد جامعه‌شناختی

نظریات یاد شده، سالها وجه غالب مطالعات بود. ولی از سال ۱۹۵۰ با کتاب اتوئلاک کم کم، زن به عنوان فعال در جامعه شناخته شد. در کتابهای قبلی، زن فعال نبود، در فرضیات مطرح نبود. ولی کم کم، زن به عنوان کنشگر شناخته شد.

در خصوص نقش اجتماعی زنان به مطالعات دورکیم و ساترلند اشاره می‌کنیم. که تأکید این دو بر این است که بزهکاری زنان، انعکاسی از ویژگیهای اجتماعی و جایگاهی است که جامعه و مردان به آنها داده است. کمی بزهکاری زنان بدین دلیل

### ۱۹۱۰ مباحثی در علوم جنایی

است که در جامعه حاضر نیستند و جایگاه اجتماعی ندارند. این تفاوت جایگاه و نقشها و نه تفاوت جنسی است.

اتوئلاک معتقد است، فعالیت مجرمانه زنان شفافیت و رؤیت پذیری کمتری دارد و آثار اجتماعی کمتری به دنبال دارد. رقم سیاه زیادی دارد و کمتر آشکار می‌شود. مردان در قتل مرتکب ضرب و جرح و استفاده از اسلحه می‌شوند ولی زنان از سم و غافلگیری استفاده می‌کنند و بنابراین تردید می‌شود که مرگ طبیعی است یا قتل.

قربانیان زنان، قدرت افشای جرم علیه خود را ندارند و مراتب را اعلام نمی‌کنند. مثلا قربانی شدن اطفال و کودکان توسط مادر در محیط خانه.

زنان معمولا از رویه جوانمردانه مردان برخوردار می‌شوند. مردان هر گاه قربانی زنان قرار گیرند، کمتر اعلام جرم می‌کنند یا گذشت می‌کنند. نگاه مردان به زنان نگاه ترحم آمیز است و جوانمردانه، از تعقیب کیفری می‌گذرند. قضات دادگاهها کمتر حکم حبس در مورد زنان صادر می‌کنند ولی در مورد مردان معمولا مجازات متفاوت و سنگینتری اعمال می‌کنند.

این دیدگاه مربوط به سال ۱۹۵۰ است ولی آیا امروزه هم در مراجع قضایی، می‌توان از عامل جوانمردی نام برد و آیا هنوز هم زنان مورد ترحم هستند؟

آیا هنوز هم در دادگستری و پلیس که امروزه دارای ضابطین زن بسیاری هست و به سمت زنانه شدن قضایی رفته، می‌توان از نگاه جوانمردانه نام برد؟

خیر، این امر مربوط به زمانی می‌شود که دادگاهها مردانه بوده و زن کنشگر نبوده است، اکنون زن، وکیل و قاضی است، در جامعه حضور دارد، نگاه به زن مجرم تغییر پیدا کرده و نقشهای متفاوت زن و مرد در ادبیات مجرمانه کم رنگتر شده است. بشر به جایی رسیده که می‌تواند در ویژگیهای زیست شناختی جرح و تعدیل کند. مقاله فرانسیس هایدن زون در سال ۱۹۶۸ با عنوان «انحراف زنان، یک انتقاد و تحقیق»، بزهکاری زنان را در رابطه با نقش زنان، شغل آنان و صرفنظر از جنس بررسی کرده

<sup>1</sup> - Sthenia

<sup>2</sup> - Asthenia

## جرم‌شناسی ۱۹۱۱

است (این مقاله در مجله بریتانیایی جامعه‌شناسی به چاپ رسیده است و کتاب دیگر مولف تحت عنوان **Women and crime** می‌باشد). بعد از این مقاله تحقیقات در سه جهت دنبال شد؛

### ۱- مطالعه بزهکاری در فرایند جامعه‌پذیری متفاوت آنها

دختران تربیت متفاوت، نسبت به پسران دارند. بزهکاری زنان در چهارچوب جامعه‌پذیری متفاوت آنها نسبت به مردان باید بررسی شود. والدین تا سنین بالا به دختران نظارت می‌کنند. پسران زودتر آزاد می‌شوند و در خانه حساسیتها به جنس مؤنث بیشتر احساس می‌شود. این تفاوت تربیت موجب تفاوت شخصیت می‌شود. در جوامع سنتی جامعه‌پذیری افتراقی محسوس‌تر است.

۲- زنان فرصتهای مجرمانه کمتری پیدا می‌کنند (فرصتها و مناسبتهای ساختاری نامشروع کمتر).

۳- جامعه نسبت به زنان واکنش و رویه متفاوتی دارد و در آمار متفاوت است (واکنش افتراقی اجتماعی). علی‌رغم حضور زن در بستر جامعه، اکثریت زنان بیشتر ساعات زندگی خود را در خانه و خانواده یعنی محیط بسته‌ای که توسط مردان به آنها تحمیل می‌شود، طی می‌کنند.

دختران به عنوان دختر، همسر و مادر حضور دارند و موقعیت زنان در محیط خانواده خارج از این سه حالت نیست. حضور زن در جامعه نامرئی است و زندگی‌اش در کدبانو و مادر بودن خلاصه می‌شود.

زن در بستر خانواده به عنوان مادر، مسئول تربیت است و تحت تأثیر محبت و وظیفه تربیتی‌ای که دارد کمتر پرخاشجو است، وظیفه‌اش القای محبت است و فرصت خشونت و ارتکاب جرم ندارد.

این محبوس بودن اجتماعی دلیل کاهش بزهکاری زنان است، چون از فراز و نشیب زندگی دورند. زنان بیشتر به دیگران احترام می‌گذارند. مطیع و در جهت جذب

## ۱۹۱۲ مباحثی در علوم جنایی

دیگران هستند. تأکید روی تفاوت نقش زن و مرد است. اگر زن از خانه خارج شود و در بستر جامعه نقش بپذیرد، باز شدن محیط یعنی ایجاد فرصتهایی که قبلاً وجود نداشته و این یعنی ارتکاب بزهکاری.

اگر ما در تربیت دختران، تبعیض‌ها را کنار بگذاریم، چه بسا زنان هم نرخ بزهکاریشان بالا رود.

### ۶-۲- جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی و بزهکاری زنان

واکنش اجتماعی (کنترل اجتماعی) علت شناسی جرم را بازنگری و نهادهای کنترل جرم را وارد مطالعات خود می‌کند. بر این اساس مجرم و غیر مجرم متفاوت نیستند و این تفاوت را قانون‌گذار ایجاد کرده است.

در جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، فمینیستها معتقدند زنان بیشتر بزه‌دیده‌اند و ستم به آنها مضاعف است. به عنوان همسر و مادر از یک سلسله حقوق محرومند و موقعیت اجتماعی، آنها را از یک سلسله حقوق محروم می‌کند و قانون اعمالی را جرم می‌داند که فعل مردان است (جرایم ناموسی). حضور زن در مراجع قضایی یک ستم جدیدی است. بازگشتن به خانه برای زنی که به مراجع قضایی رفت و آمد کند، سخت است. به زندان رفتن زن پذیرفته شده نیست، و بار منفی‌تری از مردان دارد.

در دیدگاه جرم‌شناسی واکنش اجتماعی؛

۱- مجرم با غیر مجرم برابر است.

۲- جرم ذاتاً قبیح نیست.

۳- جرم نسبی است و به زمان و مکان بستگی دارد و چه بسا با جرم‌زدایی از بین

برود.

## جرم‌شناسی ۱۹۱۳

۴- مجرم و غیر مجرم با یکدیگر تفاوت ندارند، چه بسا افراد بزهکار که جرایم آنان کشف نشده است. همه افرادی که دستگیر شده‌اند مجرم نیستند و همه مجرمین هم دستگیر نمی‌شوند.

از دیدگاه واکنش اجتماعی مجرم نباید اصلاح شود، بلکه جامعه باید اصلاح شود. چون بیشتر جرایم اعتباری است.

در چنین شرایطی حقوق زن احیاء می‌شود و بحث بزهکاری جنسی تبدیل به جنسیتی می‌شود. اما در حقوق بشر از جنسیت «gender» صحبت می‌شود. از این منظر بین زن و مرد تفاوت وجود ندارد و زن، همان جرایمی را مرتکب می‌شود که مرد مرتکب می‌شود. جنس و جنس مؤنث و بزهکاری یادآور ملاحظات زیست‌شناختی است. در جرم‌شناسی کلاسیک تأثیر سن و جنس بر بزهکاری بررسی می‌شود.

طفولیت و زن بودن خصوصیتی دارد که آنها را از مردان جدا می‌کند و این نگرشی زیستی است.

به جای جرایم جنسی (در ارتباط با جنس) از جرایم جنسیتی صحبت می‌شود. اختصاص یک فصل در جرم‌شناسی به زنان تبعیض نسبت به مردان است. صحبت در مورد خشونت علیه زنان تبعیض است و باید خشونت جنسیتی گفته شود.

نوع خشونت و شیوه ارتکاب جرم درمورد زن و مرد متفاوت است و همه جرایم در جرایم یدی خلاصه نمی‌شود. البته در جرم‌شناسی‌های زنان، ورود بحث‌های حقوق بشری باعث شده که تفاوتها تعدیل شود.

اینجاست که گفتمان فمینیستی وارد می‌شود و مطرح می‌کند که زنان از نظر تاریخی مورد ظلم قرار گرفته‌اند و بزه‌دیده مزمن و سنتی هستند و مردان نگرش افتراقی و مردانه دارند. برخورد جوانمردانه، برخوردی مردانه است. تا برخورد مردانه

## ۱۹۱۴ مباحثی در علوم جنایی

وجود دارد ما دچار پیشداوری می‌شویم و نمی‌توانیم به نتایج قابل توجه دست پیدا کنیم.

امروزه علم ژنتیک امکان داده که خصوصیات فیزیولوژیکی تعدیل شود و نمی‌توان گفت یک زن صد در صد در صد زن و یک مرد صددرصد مرد است.

چرا بزهکاری زنان، همراه با بزهکاری صغار مطرح می‌شود و چرا در حقوق کیفری ما، قوانینی در جهت حمایت از زنان مطرح می‌شود؟ تشبیه زنان به کودکان، جایگاه حقوقی آنان را در حد کودکان تنزل داده است.

کنوانسیون حقوق کودک، کودک را ضعیف و خرد نمی‌داند بلکه انسانی کامل، ولی به اقتضای سن نیازمند حمایت‌هایی می‌داند. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، زن را کامل و دارای حقوق کامل می‌داند. معیار جرم‌انگاری، جنس نیست بلکه جنسیت است. وقتی می‌گوییم جنسیت آن چه برداشت می‌شود برابری در حمایت و جرم‌انگاری است.

بزهکاری زنان از نظر انواع و شیوه ارتکاب می‌تواند از مردان متفاوت باشد ولی این دلیل نمی‌شود که آنها را از هم جدا کنیم. با نگاه خاص به نگاه پست مدرن می‌رسیم که مغایر حقوق بشر و فمینیست است

در دیدگاه جرم‌شناسی کلاسیک، مجرم فردی بیمار و غیر عادی است، ولی در واکنش اجتماعی مجرم مانند بقیه است. زیرا قبل از جرم فردی عادی و بعد از کیفر هم فردی عادی است و تفاوتی پیدا نکرده است.

نکته دیگر اینکه با توجه به رقم سیاه بزهکاری، نمی‌توان گفت افرادی که دستگیر نشده‌اند مجرم نیستند، ممکن است مرتکب جرم شده باشند و مجرمین مخفی باشند.

بخشی از جرائم، محصول قانون‌گذار و نهادهای واکنش اجتماعی هستند و تکرار جرم (انحراف ثانویه) در بستر رفتار دادگستری رخ می‌دهد و استقرار جرم به علت عدم کارآیی محیط زندان و ... است.

## جرم‌شناسی ۱۹۱۵

اگر هسته مرکزی و ثابت جرایم را که ضروریات خمسه یا جرائم حدی و ... است را کنار بگذاریم، توده جرایم، اعتباری است و قبح ذاتی ندارد. مانند حمل اسلحه، رانندگی با سرعت غیر مجاز و عبور از چراغ قرمز که در بستر فناوری‌های نوین بوجود آمده‌اند. مصرف الکل در جامعه ما قبح دینی دارد، اما مواد مخدر را خیلی از افراد مصرف می‌کنند، چون مثل مشروب حکم دینی ندارد. بنابراین این متخلف بودن امر قراردادی است.

توده مردم و عرف نسبت به جرایم رایانه‌ای نظری ندارند، ولی اگر بدانند ورود به فضای مجازی سایر مثل ورود به خانه است، شاید نظری داشته باشند ولی چون حکومت مطلع است آنرا جرم می‌داند. یا مثلاً صید غیر مجاز ممکن است از لحاظ مردم غیر عادلانه باشد ولی چون دولت درصدد تداوم حیات ماهی‌ها است آنرا جرم می‌انگارد.

در واکنش اجتماعی، جرایم زنان از طریق ایجاد جرایم در قانون، محصول واکنش اجتماعی است. مثلاً در زمان پهلوی اول حجاب داشتن جرم بود یا در ترکیه رعایت حجاب در مدارس و دانشگاه و اداره جرم است. وضع این قانون یک جرم‌انگاری نسبت به زنان است و یا سایر قانون‌گذاری‌ها نوزادکشی و یا روسپیگری را جرم می‌دانند که مجرمش زنان هستند.

زنان، بزه‌دیده و قربانی دستگاه پلیسی هم قرار می‌گیرند. رفتار دستگاه قضایی نسبت به زنان آنان را دچار ناراحتی ثانوی می‌کند. هزینه دستگاه پلیسی برای زن بیشتر از مرد است.

مردی که در دادگاه محکوم می‌شود نسبت به زن از طرف جامعه و خانواده بهتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. جامعه و خانواده بزهکاری زن را نمی‌پسندند و بدتر می‌دانند.

پس زن بطور مضاعف بزهکار می‌شود:

۱- جرم‌انگاری نسبت به زن

## ۱۹۱۶ مباحثی در علوم جنایی

۲- واکنش والدین و محیط به زن بزهکار

بنابراین زن مشمول مجازاتهای کمانه‌ای (واکنش اجتماعی کمانه‌ای) می‌شود. محکومیت کیفری زن در جامعه منتشر می‌شود، زن از همسریابی، کاریابی و سایر حقوق محروم می‌شود و از جامعه طرد و دچار انگ می‌شود. جرم‌شناسی واکنش اجتماعی درآمدی بود بر جرم‌شناسی فمینیستی. یعنی زنانی که در جهت مطالعه جرم به تحقیقات راجع به بزهکاری زنان پرداختند. جرم‌شناسی فمینیستی گفتمان زنان در مورد بزهکاری زنان و شاخه یا ادامه‌ای از جرم‌شناسی واکنش اجتماعی است.

در اینجا سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا با گذشت زمان بزهکاری زنان به مردان نزدیک شده و ویژگی‌هایی افتراقی در حال کم‌رنگ شدن است؟ بطور کلی بر طبق تحقیقی مفصل، عقیده بر این است که بزهکاری زنان با گذشت زمان، از نظر کمی در حال رشد است و دلیل عمده بحث را به بزهکاری پنهان یا رقم سیاه نسبت داده‌اند.

## ۷- رقم سیاه بزهکاری

بزهکاری از نظر آمار جنایی سه نوع است:

۱- ظاهری یا پلیسی

۲- قانونی یا قضایی

۳- واقعی

بزهکاری ظاهری یا پلیسی شامل جرایم ارتكابی است که پلیس کشف می‌کند یا مطلع می‌شود. آمار خام است، چون در رابطه با مظنونین است، ولی این خود گامی به سمت مجرمیت است. پلیس معمولاً یک چهارم جرایم را کشف می‌کند. در جرایم مشهود، سه چهارم جرایم را شکات و بزه‌دیدگان و اشخاص ثالث به اطلاع پلیس

## جرم‌شناسی ۱۹۱۷

می‌رسانند. بزهکاری قانونی، آمار محکومین قضایی یا بزهکارانی که مجرمیت آنها ثابت شده را نشان می‌دهد. این آمار کمتر از بزهکاری ظاهری است.

بهر حال آمار، چه بزهکاری ظاهری چه بزهکاری قانونی بیانگر بزهکاری واقعی نیستند و همه بزهدیدگان کشف نمی‌شوند. گاهی بزه‌دیده واقعی وجود ندارد و یا ترجیح می‌دهند اعلام جرم نکنند و این رقم سیاه است که در آن نه جرم کشف شده است و نه مجرم. در جرایم خاکستری جرم کشف شده ولی مرتکب نامشخص است. تا چه اندازه بزهکاری زنان در چهارچوب رقم سیاه باقی می‌ماند و زن بودن تا چه اندازه سبب کشف نشدن جرم است یا جرم نوعاً به گونه‌ای است که کسی مطلع نمی‌شود، یکی از این جرایم سقط جنین است و یا جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی که به اطلاع مقامات قضایی نمی‌رسد.

## ۱-۷- عوامل مؤثر در رقم سیاه بزهکاری زنان

رقم سیاه بزهکاری زنان تحت تأثیر خصوصیات فیزیولوژی (زیست‌شناسی) و عوامل جامعه‌شناسی قرار دارد.

## ۱-۱-۷- تأثیر خصوصیات فیزیولوژی بر رقم سیاه بزهکاری زنان

لومبروزو و فررو معتقدند نرخ پایین افشای جرایم زنان به دلیل این است که زنان از تسهیلات فیزیولوژیکی برای پنهان نگه داشتن جرایم خود برخوردارند. این تسهیلات طبیعی چیست؟

در این زمینه دو استدلال وجود دارد:

۱- به زنان و دختران آموخته می‌شود که چگونه عادت ماهیانه‌شان را پنهان کنند تا در دیگران دزدگی ایجاد نشود. دختران یاد می‌گیرند به خاطر وقایع طبیعی دروغ بگویند یا وجود آنرا منکر شوند.

در این چهارچوب زنان در مخفی نگهداشتن جرائمشان مهارت خاصی دارند.

## ۱۹۱۸ مباحثی در علوم جنایی

۲- در خصوص زنان بحث از روسپیگری می‌شود. روسپیگری بزهکاری ذاتی زنان است و جرایم دیگری مانند قوادی به دنبال دارد.

## ۱-۲- تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر رقم سیاه بزهکاری زنان

به اعتقاد اتوپلاک، به دو دلیل فعالیت مجرمانه زنان پنهان می‌ماند. دلیل اول اینکه نقش زنان به گونه‌ای است که بزهکاری‌شان پنهان می‌ماند، به عبارتی دیگر، محیط بسته خانه اعمال مجرمانه را مخفی می‌کند.

زنان، بزه‌دیده خود را طوری انتخاب می‌کنند که قابلیت افشا ندارند، مثل اطفال.

دلیل دیگر، رفتار حمایتی جامعه نسبت به زن است. طبق نظر جامعه، زن بزهکار نمی‌شود. رفتار جوانمردانه یا همراه با اغماض سبب می‌شود که بسیاری از بزه‌دیدگان افشای جرم نکنند و یا گذشت کنند. البته امروزه رفتار جوانمردانه تعدیل شده و زنان در دادگاهها حضور دارند و این عامل را تعدیل کرده‌اند.

در حال حاضر رویه و رفتار زنان قاضی و کارشناس نسبت به مردان بزهکار چگونه است؟

در فقه جزایی چرا تأکید بر بزهپوشی و عدم تجسس است؟ آیا این در جهت رعایت حال زن است؟ در جرم زنا اگر چه مرد مجازات می‌شود ولی جامعه بهتر می‌پذیرد ولی مجازات زن تالی فاسد بیشتری دارد. آیا تشکیل دادگاه خانواده در جهت رعایت حال زن بوده یا مرد یا کیان خانواده؟ در قانون اساسی، زن رکن اساسی و استوانه خانه است.

نگرش حقوق کیفری نسبت به زن، نزدیک به نگرش قانونگذار به صغیر و اطفال بزه‌دیده است در این خصوص در سطح سازمان ملل دو کنوانسیون داریم:

۱- کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹

۲- کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹

بنابراین، کنوانسیون حقوق مردان و بزرگسالان نداریم.

## جرم‌شناسی ۱۹۱۹

در حقوق کیفری تأکید می‌کنیم که بزهکاران صغیر در مرجع خاص و با آئین دادرسی کیفری خاص محاکمه شوند. در مسائل زنان، قاضی دادگاه را غیر علنی می‌کند. یا جرایم خاصی به منظور حمایت از زنان وجود دارد، مانند ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی.

چرا قانون‌گذار نسبت به مؤنث و صغار نگرش افتراقی و حمایتی، چه به صورت شکلی و چه به صورت ماهوی، دارد؟ چون هر دو آسیب‌پذیرند. اطفال و زنان معمولاً در یک گروه قرار می‌گیرند. در جرم‌شناسی در عوامل شخصی، عاملی به نام سن و عاملی بنام جنس داریم.

میان جنس و جنسیت (Sex و Gender) تفاوت وجود دارد.

جنسیت (Gender) هویت فرهنگی - اجتماعی فرد می‌باشد. Sex (جنس) ویژگی‌های فیزیکی و زیستی و بیولوژیکی فرد است. جنس، اهمیت دارد ولی هویت اجتماعی، حقوق و تکالیف مهم‌تر است.

در خشونت جنسی<sup>۱</sup>، خشونت علیه زن و جنس مؤنث است. در خشونت خانگی، زن بزه‌دیده و مرد بزه‌کار است.

ولی خشونت جنسیتی<sup>۲</sup> (برای حذف پیشداوری‌ها) می‌تواند برعکس مثلاً از طرف زن علیه شوهر باشد. در کشورهای غربی NGOهایی برای زنان کتک خورده داریم. این تغییر عنوان جنبه حقوق بشری دارد. چون از منظر حقوق بشر زن و مرد یکسانند و به لحاظ حقوق برابر می‌توانند مرتکب جرم شوند و خشونت لزوماً ملازمه با اعمال بدی ندارد می‌تواند سفید باشد. مانند: نگاه، رفتار، حالت و ضربه روانی. پس sex مفهوم زیست‌شناختی و فیزیکی است ولی در جنسیت تفاوت جنسی نادیده گرفته می‌شود فرد با هویت مستقل اجتماعی و فرهنگی که جنس در آن نقش دارد بررسی می‌شود.

## ۱۹۲۰ مباحثی در علوم جنایی

همانطور که اشاره شد رفتار جوانمردانه و همراه با گذشت نسبت به زنان در مراحل مختلف قانونگذاری، تعقیب، محاکمه، اجرا و ... وجود دارد:

مردان بزه‌دیده به علت تبعات اجتماعی به اکراه جرم را اعلام می‌کنند.

توجه دیگر عدم افشاء جرایم زنان این است که بزه‌دیدگان زنان، اغلب کودکان و کهنسالانند که قادر به افشای جرم نیستند و این، باعث رقم سیاه می‌شوند. بعضاً در قوانین و مقررات قانونگذار نسبت به زنان بزه‌کار تخفیف قائل شده است.

مثلاً در جرم ارتداد که مجازات زن و مرد متفاوت است. در جرم قوادی، قواد مرد علاوه بر شلاق به تبعید محکوم می‌شود ولی زن فقط به شلاق محکوم می‌شود. هم‌چنین در مورد زنان باردار و شیرده و ... اعدام جاری نمی‌شود. در اجرای رجم و نحوه مجازات شلاق نیز تفاوت وجود دارد. در جرائم عمومی غیرشرعی، در جرم عدم ثبت واقعه ازدواج، مرد مجازات دارد ولی زن مجازات نمی‌شود و این ناشی از نگرش فرهنگی قانونگذار است.

مثال دیگر اینکه مجازات اعدام نسبت به زنان و مردان بالای ۶۰ سال در قانون مجازات عمومی قدیم در مورد خاصی اعمال نمی‌شد. ضمن اینکه در دادگاهها، دختران و زنان کمتر از پسران و مردان محکوم می‌شوند. برای زنان بیشتر، احکام تبرئه و قرار موقوفی و منع تعقیب صادر می‌شود. گذشت و صلح و سازش نسبت به زنان بیشتر وجود دارد. ماده ۲۲ بند ۵ به وضعیت خاص متهم که نمونه‌ای از آن زن بودن و خانه دار بودن زن می‌باشد، اشاره دارد.

در خصوص مجازاتها میزان مجازاتها در مورد زنان، ضعیفتر است و رویه جوانمردانه و همراه با ترحم نسبت به آنان وجود دارد. در خصوص رویه جوانمردانه، ایرادهایی گرفته شده که گذشت و اغماض نسبت به زنان را ناشی از رویه جوانمردانه نمی‌داند و معتقد است علل دیگری وجود دارد:

<sup>1</sup> - Sexual Violence

<sup>2</sup> - Gendering/ Gender Violence

## جرم‌شناسی ۱۹۲۱

۱- چنانچه تحقیقات را عمیق‌تر انجام دهیم، چه بسا شدت جرم یا نحوه ارتکاب جرم معیار تخفیف باشد و نه جنس متهم و چه بسا دادگاهها بر عکس، روش قیم مآبانه و زن ستیزی را اتخاذ و اتفاقاً مجازات شدیدتری اعمال می‌کنند یا بر عکس اگر مجازات کمتر است به دلیل رویه جوانمردانه بودن نیست، بلکه چون قضات دادگاهها معتقدند جای زن در خانه است و زن نباید به جای دیگری حتی زندان برود، تسامح می‌کنند و حتی در صورت وقوع جرم می‌گویند، زن نباید از جایگاه مادری و خانه‌داری خارج شود. و این یک رویه زن ستیزی است که معتقد است که زن همسر یا مادر است و احکام دادگاهها نباید این نقشها را مختل کند.

کما این که در جرایم اطفال، متهمین مذکر را به حبس و دختران را معمولاً تسلیم خانواده می‌کنند، تسلیم به اولیا با اخذ تعهد بر تربیت و این نگاه، زن ستیز و سستی است و نه جوانمردانه.

۲- این نگاه مربوط به زمانی است که در سیستم عدالت کیفری همه مرد بودند، اما اکنون ما شاهد زنانه شدن محیطهای پلیس و وکلا و زندانبانان و راهنمایی و رانندگی هستیم و تعداد مردان و زنان نزدیک به هم شده است (بخصوص در غرب). در چنین شرایطی آیا باز هم می‌توان صحبت از عامل جوانمردی کرد (رویکرد سلحشورانه یا عامل جوانمردانه Chivalery Factor). حالا زنان قاضی نسبت به زنان متهم چه رویه‌ای اتخاذ می‌کنند و نسبت به مردان چطور؟

در مقطع قانون‌گذاری بخصوص در مسائل کیفری با حضور فمینیستها و فعالان زن، در قوانین کشورهای مختلف، شاهد پیش‌بینی قوانین در جهت حقوق زنان هستیم و دیگر بین زن و مرد در قوانین تفاوتی قائل نمی‌شوند و صحبت از خشونت جنسیتی به جای خشونت جنسی می‌باشد.

## ۳-۱-۷- بزهکاری غیر مستقیم زنان

منظور از بزهکاری مستقیم، جرایمی است که زنان مباشر اصلی آنها هستند.

## ۱۹۲۲ مباحثی در علوم جنایی

اما زنان در بسیاری موارد مباشر نیستند و معاون هستند و در آمار منعکس نمی‌شوند. در برخی از موارد به مباشر اصلی انگیزه می‌دهند که ممکن است از نظر حقوق کیفری قابل تعقیب نباشند. به نظر لمبروزو و فررو، رکن اصلی جرایم مردان، انگیزه ناشی از زنان است. درخصوص بزهکاری غیرمستقیم زنان مطالعات میدانی مفصل انجام نشده است. در فرانسه، زنان زندانی در ۵۶ درصد موارد نقش معاونت و مشارکت داشته‌اند.

ضمناً هنگامی که زنان به عنوان معاون یا شریک تحت تعقیب قرار دارند بیشتر با گذشت و اغماض ضابطان قضایی و نهادهای عدالت کیفری روبرو می‌شوند و بنابراین کمتر مورد تعقیب و محکومیت قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر در این حالت بیشتر تکیه بر مباشر اصلی و قربانی و بزه دیده تلقی کردن زنان به عنوان اشخاصی که فریب مردان را خورده‌اند تلقی می‌شوند.

## ۷-۲- روش‌های برآورد رقم سیاه بزهکاری زنان

برای تهیه رقم سیاه جرائم زنان از سه روش استفاده می‌شود:

۱- اطلاعات بزهکاران خود اعتراف (مطالعات خود گزارشی)

### Self report studies

۲- پرس و جو از قربانیان جرایم Vivictimization Survey

۳- مصاحبه با بزهکار Interview with offender

در روش اول، پژوهشگر مثلاً در صدد برآورد سرقت ارتکابی توسط بزهکاران است. فرضاً می‌خواهیم رقم سیاه سرقت زنان را در خصوص زنان از ۹ سال به بالا در قم بررسی کنیم. ابتدا نمونه آماری تهیه می‌کنیم، مثلاً از صد هزار نفر ۲۳ هزار نفر نمونه‌گیری می‌شود. کلاس توجیهی گذاشته و تبیین می‌شود که سرقت چیست. سپس پژوهشگر، پرسشنامه بی‌نامی را توزیع می‌کند که آیا شما در شش ماه اول سال

## جرم‌شناسی ۱۹۲۳

مرتکب سرقت شده‌اید و آیا کسی مطلع شده است، بعد آمار و درصد گرفته می‌شود. در واقع از آنها به عنوان بزهکار بالقوه سؤال می‌شود.

این روش ایراداتی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱- اگرچه پرسشنامه، گمنام و بی نام است و حتی قلم یکرنگ توزیع می‌شود، اما پرسش شونده‌ها اگرچه دارند که به عنوان مجرم قلمداد شوند، زیرا از بازسازی جرم ارتكابی اگرچه دارند و این موضوع برایشان آزار دهنده است.

۲- در بعضی جرائم فنی، پرسش شونده قدرت تفکیک و تشخیص عمل خود را با جرم ندارد. حقوقدان نیست که مثلاً خیانت در امانت و کلاهبرداری را که شبیه به هم است، تفکیک کند و دچار اشتباه می‌شود.

۳- پرسش شونده‌ها، ممکن است، جرائم خارج از دوره زمانی و مکانی را هم پاسخ دهند.

استفاده از این روش فوایدی دارد؛

۱- شگردها و نحوه ارتكاب جرم در پرسشنامه بازگو می‌شود.

۲- علل کشف نشدن ذکر می‌شود.

۳- پرسش شونده‌ها انگیزه خود را از ارتكاب سرقت باز می‌گویند. انگیزه در جرم‌شناسی مهمتر از قصد است. انگیزه ما را به علت شناسی و چرایی راهنمایی می‌کند و برای علت شناسی جرم مفید است.

برای رفع ایراد این روش، روش «تحقیقات در زمینه بزه‌دیدگی» مطرح شد.

در این روش، از افراد می‌خواهیم که بیان کنند آیا در یک دوره زمانی خاص، در مکان خاص مورد سرقت واقع شده‌اند.

اقرار به مورد سرقت واقع شدن و بزه‌دیدگی راحت‌تر است، چون بیم محکومیت کیفری وجود ندارد. این روش تنها در مورد جرائم دارای مجنی‌علیه که بزه‌دیده حقیقی و نه حقوقی داشته باشد صادق است؛ مانند زنا یا به عنف، سرقت، کلاهبرداری و ... در

## ۱۹۲۴ مباحثی در علوم جنایی

جرم ارتشا این تحقیق سخت است، چون هر دو مجرمند، (مگر در موارد اضطرار). در اختلاس مجنی‌علیه دولت است. رقم سیاه ارتشا و ربا خیلی بالاست به گونه‌ای که از ۳ فقره ۲ مورد آن کشف نمی‌شود، شاید هم بیشتر. روش «تحقیقات در زمینه بزه‌دیدگی» مزیت‌هایی دارد که عبارتند از:

۱- از طریق کسب اطلاع از بزه‌دیدگی یک فرد پی به رقم سیاه می‌بریم و به بزهکاری می‌رسیم، چون افراد، به عنوان بزه‌دیده جواب صحیح را می‌دهند.

۲- محقق به سابقه رابطه بزه‌دیده و بزهکار پی می‌برد. این قبیل اطلاعات به ما امکان داده که بفهمیم در اکثریت جرائم، سابقه وجود رابطه برای سالها وجود داشته و این رابطه ناگهان تبدیل به جرم شده است.

در کنار جرایم مسبوق به رابطه، جرایم فاقد رابطه داریم مانند جرایم راهنمایی، رانندگی یا جرائم و قتل‌های ناگهانی که همدیگر را نمی‌شناختند و مسبوق به رابطه و بحران منافع نبوده است.

در همسرکشی، فرزندکشی و ... رابطه خویشی وجود دارد. در سرقت‌های منازل، سارق و مالباخته معمولاً مسبوق به وجود رابطه می‌باشد. این جرایم قابل پیشگیری است.

در اینجا سؤالی که مطرح می‌شود این است که آثار جرم چیست؟ آیا تنها خسارات جسمانی و مالی آثار منحصر به فرد جرم است؟

بعضی جرایم دارای خسارات نامرئی روحی، روانی، هیجانی و غیر قابل تقویم به پول هستند و در تمام طول عمر ممکن است عوارضی داشته باشند. مثل کابوس در جرم گروگانگیری، آدم ربایی و تروریسم که اینها از آثار جرم و بزه‌دیدگی است و عدالت کیفری به آن توجهی نمی‌کند و تنها به خسارات مادی و عدم النفع توجه می‌شود.

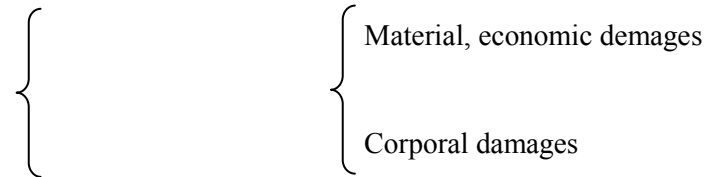


## جرم‌شناسی ۱۹۲۵

در غرب NGOها برای دلجویی از بزه‌دیدگان جرایم خشن تشکیل می‌شوند، آنها را یاری می‌کنند و به وضعیت قبل از جرم برمی‌گردانند.

آیا خسارات عاطفی، روانی، همان خسارات معنوی است؟ در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی اعاده حیثیت، بعد معنوی است و در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و قانون مسئولیت مدنی هم ذکر شده است.

اما اخیراً صحبت از خسارات دیگری شده است:



امروزه از مفاهیمی مانند Emotional و Psychological harms بحث می‌شود. خسارت معنوی بیشتر خدشه به اعتبار، حیثیت و آبروی بزه‌دیده است. مثلاً در افترا که آبرو لطمه می‌خورد، تا حدی قابل جبران است. ولی آثار روانی قابل ترمیم نیست. اعاده حیثیت که در بحث‌های کیفری است در محکومیت‌های مؤثر و ناظر به درمان و مداوا نیست بلکه حیثیت منطقه‌ای و ... را دربرمی‌گیرد<sup>۱</sup>.

در تحقیقات روش دوم، آثار بزه‌دیدگی را از زبان خودشان بررسی می‌کنیم ولی بعضی افراد از بازگویی آن اکراه دارند و برای پژوهشگر، مطلع شدن جهت ترمیم آثار، بسیار مهم است.

## ۱۹۲۶ مباحثی در علوم جنایی

NGOهایی برای زنان آزاردیده، وجود دارد که در آن، زنان آزاردیده سابق، به کمک زنان آزار دیده جدید می‌آیند با حضور روانپزشک خود را تخلیه می‌کنند و با چند ماه رفت و آمد به این NGOها، بزه‌دیده به دنیای عادی بازمی‌گردد. با روش دوم ما به پیشگیری وضعی دست می‌زنیم، نه اجتماعی. عوامل وضعی، مثل کاتالیزور، اجازه می‌دهد استعداد مجرمانه ظاهر شود. عوامل وضعی مقطعی، اما عوامل اجتماعی به مرور زمان در فرد اثر گذاشته‌اند.

در روش سوم پژوهشگر بصورت حضوری با افراد گفتگو و اعتماد آنها را جلب می‌کند و از طریق این گفتگو و از لابلاهای این حرفها به مقصد خود می‌رسد. مزیت مصاحبه این است که ایرادات اشتباه و کذب جواب دادن را رفع می‌کند و محقق می‌تواند با به سخن درآوردن بزه‌کار، اطلاعات گسترده‌ای در خصوص جرم و جرایم سازمان یافته کشف کند. در دو روش قبل در مورد انفرادی یا سازمان یافته بودن جرم ما اطلاعی پیدا کردیم. مصاحبه مثل گپ زدن است و آگاهانه او را به سخن درمی‌آورد. این روشهای سه گانه به ما اجازه داده که ما بتوانیم راجع به رقم سیاه، و تحولات جرایم زنان اطلاعات بیشتر کسب کنیم. در قدیم جرایم شامل فرزندکشی و سرقت و ... بود ولی حالا اشکال مختلف جدید جرم را کشف می‌کنیم.

## ۸- جهت‌گیری و تحول بزهکاری زنان

قبل از بررسی تحول بزهکاری زنان، به جهت‌گیری کلی جرایم زنان باتوجه به آمارهای فرانسه می‌پردازیم.

### ۸-۱- جهت‌گیری کلی بزهکاری زنان

جهت‌گیری کلی جرایم زنان که قبل از این در تئوریه‌ها و دکترین مورد بحث قرار گرفت، در عمل و براساس آمار فرانسه در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد. درخصوص مشارکت زنان به عنوان معاون و شریک، کنترل (بنیانگذار مکتب جغرافیایی

<sup>۱</sup> - در مورد انواع خسارات بزه دیدگان ر.ک. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، نشر

## جرم‌شناسی ۱۹۲۷

جنایی) در سال ۱۸۳۵ در کتابی به نام «جستاری در فیزیکی اجتماعی» اعلام کرده بود که بین ۱۰ هزار زن، ۲۱ زن ممکن است مرتکب جرم شوند. در آن زمان نسبت محکومیت زنانی که دستگیر شده بودند ۱ به ۴۶۸ بود. این دیدگاه کتله به عنوان یک فرضیه مطرح شد و برای اثبات آن از جهت آمار جنایی (پلیس، قضایی) مطالعاتی انجام گرفت. در تحقیقی که انجام گرفت مشخص گردید که در فاصله بین سالهای ۱۹۷۸-۱۹۶۷ از هر ۱۰ هزار زن، ۲۴ زن مرتکب جرم شده‌اند. در حالی که این رقم برای مردان ۱۹۸ بزهکار در ۱۰ هزار نفر است (حدود ۸ برابر بیش از زنان). در خصوص بزهکاری قانونی (مجموع جرایمی که در مراجع قضایی منجر به صدور حکم محکومیت شده است) در فرانسه در سال ۱۹۰۲، ۱۳ درصد از آمار بزهکاری قانونی از آن زنان بوده است. بین سالهای ۱۹۸۶-۱۹۶۸ این نسبت به ۱۱/۹ درصد تنزل یافت. دلایل این کاهش عبارتند از: ۱- تحولات آداب و رسوم نسبت به زنان ۲- تهیه و تمهید وسایل و امکانات جدید برای پیشگیری از جرایم زنان ۳- تقویت وسایل کشف جرم ۴- رویه اغماض‌آمیز قضات نسبت به زنان ۵- جرم‌زدایی از پاره‌ای اعمال و رفتارها که نوعاً زنانه بوده‌اند (مثل روسپی‌گری و سقط جنین) ۶- افزایش تحصیلات زنان.

بزهکاری ظاهری مجموع جرایمی را شامل می‌شود که به اطلاع ضابطین رسیده و برای آن پرونده تشکیل شده است. در خصوص بزهکاری ظاهری باید گفت که رقم و عدد آن بیشتر از بزهکاری قانونی است زیرا فرآیند کیفری هنوز در آغاز کار است و لذا تعداد مظنونین بیش از محکومین است (بزهکاری ظاهری به علاوه رقم سیاه برابر است با بزهکاری واقعی) در مورد آمار بزهکاری ظاهری در فرانسه در فاصله بین سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۷۵ مشارکت زنان در جنایات ۷/۹ درصد و در جنحه‌ها ۱۶/۶۹ درصد بوده است. در همین مدت مشارکت زنان در جرایم مالی ۱۸ تا ۲۱ درصد و در جرایم رفتاری ۱۱ درصد بوده است. در همین مدت متهمین زن ۱۸ درصد کل

## ۱۹۲۸ مباحثی در علوم جنایی

متهمین را تشکیل می‌داده‌اند. پس ملاحظه می‌شود که حضور زنان در بزهکاری ظاهری نسبت به بزهکاری قانونی بیشتر است.

### ۸-۲- جمعیت کیفری زنان (حضور زنان در زندانها)

در فرانسه در سال ۱۹۴۶ نرخ حضور زنان در زندان ۱۸/۱۸ درصد بوده است. در سال ۱۹۵۶ این نرخ به ۷/۳ درصد، در سال ۱۹۶۶ به ۴/۱۶ می‌رسد و در فاصله بین سالهای ۱۹۸۸-۱۹۶۸ این نرخ در حدود ۳ درصد ثابت می‌ماند. اما در سال ۹۱ به ۴/۲ درصد افزایش می‌یابد. دلایلی که برای توجیه این تغییرات بیان شده عبارتند از: الف) تمایل کمتر قضات به محبوس کردن زنان، نسبت به مردان. ب) از سال ۱۹۷۶ به این سو جایگزین‌های حبس بطور وسیعی وارد حقوق فرانسه شده است. همچنین در مورد قرارهای تأمین، قراری در حقوق فرانسه وجود دارد تحت عنوان قرار کنترل قضایی که در برخی موارد جای بازداشت را می‌گیرد، به این صورت که در مدت اتهام، برای متهم تکالیفی تعیین می‌شود اما در بازداشت نگه داشته نمی‌شود. زنان هم از این اصلاحات قانونی منتفع شده و کمتر به تحمل حبس مجبور شده‌اند. کیفرهای جایگزین دو دسته هستند: ۱- مواردی که در قانون رأساً به جای حبس آمده‌اند و تبدیل به مجازاتی مستقل شده‌اند ۲- مواردی که قاضی بین کیفر حبس و غیر آن به اقتضای اوضاع و احوال یکی را انتخاب کند، مثلاً خدمات عام‌المنفعه، چنین کیفرهایی را کیفرهای بدیل می‌گویند.

### ۸-۳- تحول بزهکاری زنان

در ادبیات جرم‌شناسان، تحول بزهکاری زنان با جنبه‌های هورمونی و عاطفی جنس مونث مرتبط انگاشته شده است و نیز در دکتترین اعتقاد بر این بوده که در جرایم علیه اشخاص زنان بیشتر مرتکب جرم مسموم کردن می‌شوند. سرقت‌های ساده، کلاهبرداری و خرید و فروش اموال مسروقه از جرایم علیه اموالی هستند که زنان بیشتر مرتکب

## جرم‌شناسی ۱۹۲۹

آنها می‌شوند. اما براساس آمار جنایی این دیدگاهها تعدیل شده است. به عنوان مثال طفل‌کشی تقریباً از میان رفته است. اگر چه در قوانین وجود دارد اما مرتکبین آن به دلیل اینکه حق انتخاب زنان در امر بارداری افزایش یافته، کاهش یافته است. جرم مسموم کردن هم به دلیل تحول آداب و رسوم و تربیت زنان، کاهش بسیار یافته است.

اما در جرایم علیه اعضای خانواده (مثل کودک‌آزاری) سهم زنان بیشتر شده است. درخصوص احراق حضور زنان نسبت به جرایم دیگر بیشتر بود. اما این جرم دیگر جایگاهی زنانه ندارد و مردان نیز در آن سهم هستند. در جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی هم حضور زن به عنوان شریک و معاون جرم کاهش یافته است. در خصوص جرایم علیه اموال، بزهکاری زنان منطبق با دیدگاه دکترین است یعنی ۲۷ درصد جرایم زنان را این نوع جرایم تشکیل می‌دهند. درخصوص چک بلامحل حضور زنان محسوستر است. در جرایم علیه اشخاص (مثل ضرب و جرح عمدی) زنان طبق آمار دو برابر کمتر از مردان حضور دارند. در جرایم غیرعمدی حضور زنان تقریباً برابر با مردان است. در سقط جنین، تعداد آنها بسیار کاهش یافته و در جرایم راهنمایی و رانندگی نرخ مشارکت زنان بسیار پایین‌تر از مردان است.

اگر بخواهیم سیمای بزهکاری زنان را در آمار جنایی از یک سو و دکترین از سوی دیگر بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که این دو بر هم منطبق نیستند. حضور زنان در جرایم علیه اموال فقط در سرقت غالب است. در جرایم علیه اشخاص حضور زنان فقط در جرایم غیرعمدی محسوس است. این عدم انطباق به این دلایل است:

- ۱- نظریات دکترین مبتنی بر بررسیهای میدانی نبوده است ۲- بخاطر تحولات جایگاه زن در جامعه و نگرش به زن بوده است ۳- اصلاحات تقنینی ۴- مشارکت زنان در

## ۱۹۳۰ مباحثی در علوم جنایی

کارهای قضایی و پلیسی (زنانه شدن محیط قضایی و پلیسی). این حضور بی‌تردید در نحوه برخورد دستگاه قضایی و پلیس با زن مؤثر بوده است.

بهرحال بسیاری از برداشتهای کلی کتله، لمبروزو و فررو و پولاک در پرتو آمارهای جدید، جابجا شده و رد گردیده است. اما در مقابل، مخالفین به رقم سیاه بزهکاری زنان استناد می‌کنند. در پاسخ به این ایراد هم گفته شده است که با استفاده از تکنیکهای سه گانه کشف رقم سیاه (خود اعترافی، گزارش بزه‌دیدگی، مصاحبه با محکومین به حبس) می‌توان به رقم سیاه آگاهی پیدا کرد.

## فصل دوم- پدیده روسپیگری

### ۱- روسپیگری

روسپیگری به عنوان یک جرم علیه کرامت انسانی فرد مطرح است، در پدیده روسپیگری (خودفروشی) مقام انسان به یک شیء که ما به ازای مادی دارد تنزل می‌یابد.

روسپیگری به دلیل اینکه در آن یک خریدار، یک فروشنده (روسپیگری)، یک مبلغ و شخص سوم به نام قواد که زمینه را فراهم می‌کند وجود دارد، جرم علیه انسانیت است.

روسپیگری به عنوان یکی از اشکال مهم برده‌داری مطرح است. در مورد برده‌داری عده‌ای عنوان شغل و حرفه را مطرح کرده‌اند. می‌گویند روسپیگری یک شغل است و کارکردی اجتماعی دارد، نیاز عده‌ای را برطرف می‌کند و نیاز خودشان نیز برطرف می‌شود. با این وجود پدیده روسپیگری به عنوان یک فعالیت شغلی با ایراداتی روبه‌رو است:

## جرم‌شناسی ۱۹۳۱

۱- در انتخاب شغل انسان حق انتخاب دارد و کسب درآمد می‌کند، ولی از آنجا که شخص روسپی به دنبال کسب درآمد است لذا طرف مقابل در انتخاب او نقشی ندارد و با هر کسی در جهت کسب درآمد رابطه برقرار می‌کند.

۲- در روسپیگری، قواد بیشترین بهره را از شخص روسپی می‌برد و این برخلاف شغل است. قواد بیش از نصف درآمد روسپی را از او می‌گیرد، در حالی که هیچ‌کاری نمی‌کند و پولی را می‌گیرد که مستحق آن نیست.

۳- هر شغل و حرفه، ضمن تأمین نیازهای مادی شخص، برای وی هویت‌بخش است، هویت اجتماعی دارد و هر قدر آن شغل انعکاس اجتماعی قوی‌تری داشته باشد صاحب آن شغل امنیت و اعتبار اجتماعی بیشتر دارد، ولی فحشا نه تنها برای روسپی هویت اجتماعی به وجود نمی‌آورد، بلکه شخص روسپی قربانی فحشا است.

۴- اگر بپذیریم که فحشا شغل است، در نهایت انسان را فدا کرده‌ایم و این خلاف کرامت انسان است.

در برخی کشورها روسپیگری با استدلال «حق متفاوت زیستن» به عنوان شغل تلقی شده است. دولت از روسپی مالیات می‌گیرد و در ازای این مالیات به او خدمات می‌دهد. یکی از این خدمات، جرم‌انگاری قوادی است. قواد در واقع بهره‌کش جنسی است.

قواد به عنوان کنشگر دوم روسپیگری، در پرتو درآمد و کارهای روسپی وجود دارد و از نظر حقوقی در همه کشورها، اشکال مختلف قوادی جرم‌انگاری شده و قوادی عملی غیرقانونی است.

بنا به یک تعریف کلاسیک، روسپیگری فعلی است که به موجب آن یک عمل جنسی به عنوان ما به ازاء ارائه، یا یک عمل جنسی به عنوان ما به ازاء تقاضا می‌شود. عده‌ای از جرم‌شناسان گفته‌اند که روسپیگری عبارتست از فعل قبول یا پیشنهاد روابط جنسی لذت طلبانه در ازاء پول بدون آن که این رابطه جنسی همراه با عاطفه و عشق

## ۱۹۳۲ مباحثی در علوم جنایی

باشد و اگر هم همراه با عاطفه و عشق باشد کم‌رنگ و گذرا است. در این تعریف سه رکن وجود دارد:

۱- صرف عرضه و تن‌فروشی

۲- عمل جنسی که منجر به اطفاء شهوت شود

۳- جنبه مالی و اقتصادی

### ۱-۱- مقایسه فحشا (Prostitution) و زنا (Fornication)

روسپی‌گری و زنا هر دو از نظر حقوق ایران روابط نامشروع محسوب می‌شود، زیرا این روابط خارج از علقه زوجیت صورت می‌گیرد. اما بر مبنای تعریف فوق بین فحشا و زنا تفاوت‌هایی وجود دارد:

۱- در زنا، رابطه جنسی موکول به ما به ازاء مادی نیست و رابطه ممکن است دوستانه و عاطفی باشد ولی در پدیده فحشا این رابطه ما به ازاء مادی دارد و در واقع خودفروشی است.

۲- در زنا، زانی و زانیه باهم رابطه مستمر دارند، آن چنان که زانیه با مرد دیگر نمی‌رود، حال آن که زن روسپی با هر مردی اصولاً رابطه برقرار می‌کند.

۳- در زنا، زانی یک دوست و رفیق و برای مدتی با زانیه به سر می‌برد، حال آن که در روسپیگری، مرد به نوعی مشتری است و روابط موقتی با زن روسپی دارد.

۴- در زنا، رابطه زانی و زانیه، رابطه مستقیم و بدون واسطه است و ثالثی از قبل آن امرار کسب در آمد نمی‌کند، اما در روسپیگری علاوه بر زانی و زانیه، شخص دیگری به نام قواد از این رابطه امرار معاش می‌کند.

روسپیگری واژه‌ای عمومی است، ولی بهره‌کشی جنسی واقعیت اقتصادی و غیر انسانی این پدیده را به ما نشان می‌دهد. روسپی در واقع قربانی و گاه بزه‌دیده است و انتخاب ندارد و قوادان از قبل او زندگی می‌کنند. در بحث فحشا شخص روسپی گزینه ندارد و گاه از ناچاری تن به شرایطی می‌دهد. در کشورهایی که جرم

## جرم‌شناسی ۱۹۳۳

روسیپگری دارند گاه او را بزه‌دیده و قربانی می‌دانند. شخص روسپی، کنشگر مرکزی است که حول او مجرم‌های دیگر فعالیت می‌کنند.

### ۱-۲- روسپیگری مردانه

در ادبیات، زن روسپی یا زن فاحشه داریم. در فرهنگ همه کشورها تصویر غالب فحشا، زن است. به عنوان مثال در قانون فرانسه لغت مونث استفاده شده است و یا ما می‌گوئیم فاحشه.

از پنج دهه به این سو این پدیده تحول پیدا کرده است. امروزه روسپیگری مردانه نیز داریم و این نکته پاسخی است به جرم‌شناسانی که معتقدند: «اگر چه زنان جرم کلاسیک کمتر مرتکب می‌شوند، ولی در عوض با خودفروشی آن را جبران می‌کنند.» این دیدگاه لومبروزو است که در کتاب «زن بزه‌کار وزن روسپی» به آن اشاره شده است. امروز این دیدگاه با وارد شدن روسپیگری مردانه متحول شده است.

در سال ۱۹۹۳ یک سوم اشخاص روسپی در فرانسه مردان بودند که این نشان از تحول روسپیگری است. امروز روسپیگری سن و جنسیت‌های مختلف را دربرمی‌گیرد. به همان اندازه که در مورد روسپی مطالعه داریم، در مورد مشتری مطالعه نداریم و در تحقیقات اثری از او نیست، گویا مشتری، مجرم نیست. چه کسانی به این زنان رجوع و چه کسانی به اینها رجوع نمی‌کنند. بدین ترتیب مشتریان در گمنامی به سر می‌برند. در ادبیات و مطالعات جرم‌شناسی کمتر به نیم رخ مشتری پرداخته شده است.

در کشورهایی که روسپیگری جرم نیست، قوادی جرم است، ولی چنانچه روسپی در معابر عمومی با حرکات، رفتار و لباس، به جلب مشتری بپردازد، عملی خلاف و جرم است. در تعریف اخیر دیوان فرانسه از فحشا، روسپی عبارتست از «شخصی که در ازای مادیات، خود را آماده تماس‌های فیزیکی به هر شکل و ماهیتی بکند و هدف او تأمین نیازهای جنسی دیگری باشد.»

## ۱۹۳۴ مباحثی در علوم جنایی

اصطلاح «نیاز» به جای «لذت‌های جنسی» در این تعریف بکار برده شده است. در تعریف قدیم، روسپیگری، خلاصه در روابط جنسی برای تأمین لذت‌های جنسی می‌شد. براساس تعریف جدید، روسپیگری یک ضرورت است چون گفته نیاز، بنابراین دیوان فرانسه به طور ضمنی روسپیگری را عملی بد، اما ضروری دانسته است. روسپی شغل دارد و نیاز عده‌ای را برطرف می‌کند. روسپیگری شغل و هر شغل برای تأمین نیازی است و این خلاف اصول حقوق بشر و کرامت انسانی است.

### ۱-۳- دلایل ضرورت بررسی پدیده روسپیگری

دلیل اول ضرورت بررسی پدیده روسپیگری، ملاحظات لومبروزو و جرم‌شناسان زیستی و فیزیکی در رابطه با فحشای زنان است.

دلیل دوم این است که در کشور ما روسپیگری به علت بیکاری تبدیل به یک مسأله کلان شده و مثل آتش زیر خاکستر است.

دلیل سوم اینکه، فحشا و روسپیگری در قانون ما تعریف ندارد و قانون مجازات اسلامی در مورد آن‌ها مطلبی نگفته است. ماده ۶۳۹ ق.م.ا گفته است «مرکز فساد و فحشا دائر کند». ماده ۶۳ ق.م.ا تعریف زنا را گفته ولی به تعریف فحشا اشاره نکرده است.

در ماده یک قانون مبارزه با قاچاق انسان آمده است: «وارد کردن، خارج کردن و ترانزیت کردن افراد به طور مجاز و غیر مجاز با سوء استفاده از موقعیت خود به قصد فحشا، برداشت اعضا و جوارح و بردگی جرم است.»

قانون مبارزه با قاچاق انسان نیز فحشا را تعریف نکرده است. با توجه به وجود خلأ در خصوص تعریف فحشا و تفاوت حقوقی که بین زنا و فحشا وجود دارد، آیا نحوه برخورد قاضی با فحشا متناسب با این عمل (فحشا) است.

آیا میان فحشا با زنا که دو نفر همدیگر را دوست دارند و با عشق این کار را می‌کنند تفاوتی وجود ندارد. در مسائل فحشا علاوه بر مشتری و زن، نفر سوم هم

## جرم‌شناسی ۱۹۳۵

هست که آن قواد است، ولی در زنا فقط زن و مرد هستند. بی‌تردید وجود تعریف قانونی از فحشا در شناسایی و تفکیک آن از زنا اهمیت بسیاری دارد.

زنا، رابطه جنسی خارج از علقه زوجیت توسط زن و مرد است که بعد از انقلاب از کتابهای فقهی استخراج شده است. وجه تشابه زنا و روسپیگری در نبود علقه زوجیت است. در روسپیگری فقط زن مجرم است و مرد مشتری مجرم نیست ولی در زنا هر دو مجرم‌اند و جامعه مجنی علیه است. قانون‌گذار ما باید با تعریف فحشا، بین آن و زنا و زنا با محارم تفکیک قائل شود. وقتی ما از فحشا تعریف نداریم، چطور می‌توانیم از مرکز فحشا صحبت کنیم. دایر کردن مرکز فحشا یعنی چه؟

دلیل دیگر که بررسی پدیده روسپیگری را توجیه می‌کند، بین المللی شدن روسپیگری و همراه شدن آن با بردگی جنسی است. یعنی زنان به عنوان خدمتکار و یا همسر به خدمت و ازدواج دیگری درمی‌آیند و هدف بهره‌برداری جنسی و کسب درآمد است (صنعت جنسی) بدین ترتیب کرامت جنسی زن به طور مضاعف از بین می‌رود و یک انسان، مورد بهره‌برداری انسان دیگر واقع می‌شود، بدن زن کالا می‌شود و او از آن کسب درآمد می‌کند. لذا روسپیگری و بهره‌کشی جنسی، از جمله جرایم علیه بشریت است.

## ۱-۴- تحول اشکال سنتی فحشا

بهره‌کشی جنسی از مردان و اطفال مبحث جدیدی است که نشان می‌دهد، شکل فحشا از حالت سنتی به اشکال جدید در حال تحول است. روسپیگری خاص جنس زنان نیست و دامن مردان را نیز گرفته است. امروز فحشا و قوادی ذیل عنوان اشکال جدید برده‌داری و تحت عنوان بهره‌کشی جنسی مطرح و علاوه بر زنان، مردان و صغار را هم شامل می‌شود. بهره‌کشی در دو نیم قرن اخیر از زنان به مردان سرایت کرده است و باید نگرش سنتی نسبت به آن تغییر یابد.

## ۱۹۳۶ مباحثی در علوم جنایی

پدیده Pornography (هرزه‌نگاری)، تجارت، داد و ستد عکسهای جنسی (صور قبیحه) و کسب درآمد از آنها، در ارتباط با جرایم روسپیگری مطرح می‌شود. ازدواجهایی داریم که در واقع به روسپیگری ختم می‌شود. ازدواجهایی صوری که به فحشا و بردگی منتهی می‌شود. در این قبیل ازدواج‌های صوری دختران راه بازگشت به خانه ندارند و بزه‌دیده مضاعف می‌شوند. والدین هم به جای قبول، این دختران را به روسپیگری سوق می‌دهند و در نتیجه ازدواج‌های صوری منجر به بزه‌دیدگی مضاعف آنها می‌شود. بزه‌دیدگی طرد شدن از خانواده، بزه‌دیدگی ناشی از روسپیگری، بزه‌دیدگی فراری بودن و پرت شدن در جامعه که آن‌ها را به طور مضاعف بزه‌دیده می‌سازد.

## ۱-۵- رویکرد نظام‌های حقوقی نسبت به پدیده فحشا و آثار آن

درآمد حاصل از پدیده فحشا آنچنان زیاد است که بسیاری از قاچاقچیان به این کار تن می‌دهند. شاید به همین جهت است که این پدیده، پدیده‌ای کهن است و با وجود طرد این اعمال، باز هم در طول تاریخ وجود دارد. در تاریخ حقوق کیفری، در قانون هیتی‌ها، در ماده ۱۹۴ که در رابطه با روابط جنسی است، رابطه با روسپی پیش‌بینی شده است. این قوانین به ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ قبل از میلاد اختصاص دارد. استفاده از واژه روسپی در قوانین هیتی‌ها نشان از قدیمی و کهن بودن آن دارد.<sup>۱</sup>

سوالی که مطرح می‌شود این است که پدیده فحشا از نظر حقوقی مشمول کدام جرم است؟ موضع نظام‌های حقوقی دنیا نسبت به پدیده فحشا چیست؟ در این قسمت به نظام‌های حقوقی در مورد پدیده فحشا می‌پردازیم:

<sup>۱</sup> - ماده ۱۹۴ قانون هیتی‌ها: هر گاه مرد آزاده‌ای با زنان برده‌ای که دارای مادر مشترکی هستند و نیز با مادرشان هم‌بستر شود جرم نخواهد بود. اگر چند برادر با یک زن هم بستر شوند جرم نخواهد بود. هرگاه پدر و پسری با یک زن برده یا روسپی هم بستر شوند این عمل جرم نخواهد بود.

## جرم‌شناسی ۱۹۳۷

۱- نظام‌های منع‌گرا، جرم‌انگار (prohibitionists). در نظام‌های جرم‌انگار، هر سه گُنشگر یعنی روسپی، مشتری و قواد مجرم هستند.

۲- نظام‌های الغاگر، جرم‌زدا (Abolitionists)

۳- نظام‌های قانونمندسازی (Legalization). در نظام‌های قانونمندسازی، پدیده فحشا جرم نیست، بلکه انحراف اجتماعی است. حالت بینابینی دارد و روسپی تحت نظارت است، مثل خانه‌های عفاف. در چنین سیستمی قوادی و بهره‌کشی جرم است و قواد که بهره‌کشی جنسی می‌کند، در هر حال مجرم است.

در سیستم قانونمند سازی مشتری مجرم، نیست. در نظام الغاگر، روسپی و مشتری مجرم نیستند، بلکه قواد مجرم است. در نظام‌های قانونمند سازی هر عملی از طرف زن برای جلب مشتری یک نوع خلاف است. بدیهی است در نظام‌های طرفدار روسپیگری (الغاگر) روسپیگری یک عمل زشت و قبیح بودن آن به جای خود باقی است ولی تعقیب قانونی ندارد. البته جرم‌زدایی از روسپیگری، به معنای انحراف زدایی از آن نیست بلکه قبح آنرا حفظ کرده است.

امروزه، پدیده روسپیگری، صنعت جهانی شده و دست کمی از مواد مخدر ندارد. ما توريسم جنسی داریم که به کشورهای مثل تایلند و اندونزی سفر می‌کنند تا از زنان و کودکان آنها استفاده کنند. بعضی از جرم‌شناسان عقیده دارند که روسپیگری نقش یک سوپاپ اطمینان را برای افراد و کانون خانواده ایجاد می‌کند. روسپیگری یک کارکرد سازنده و مثبت دارد و می‌تواند از فروپاشی خانواده‌ها جلوگیری کند. پس انحراف اجتماعی لازم است، چون سبب حفظ نظم خانواده می‌شود.

آثار ناشی از رویکرد نظام‌های حقوقی به پدیده روسپیگری عبارتند از:

۱- کشورهای تابع سیستم جرم‌زدایی، روسپیگری را نوعی شغل می‌دانند، ولی نوعی انحراف است.

## ۱۹۳۸ مباحثی در علوم جنایی

دولت، بویژه در ایدز خدمات بهداشتی ارائه می‌دهد. سندیکای روسپیان، مالیات و بازنشستگی برای جلوگیری از بهره‌کشی جنسی وجود دارد.

۲- در سیستم جرم‌انگاری، برای روسپیگری سوءپیشینه کیفری وجود دارد.

ما به ازاء مادی چیست؟ آیا یک معامله اقتصادی است؟ در کشورهایی که روسپیگری جرم است با رقم سیاه سر و کار داریم، مانند جرایم آپارتمانی است و در محیط‌های بسته رخ می‌دهد. ما به ازاء مادی یک جرم جدید به نام پولشویی یا تطهیر یا پاک نمودن پول را ایجاد کرده است.

۳- در کشورهایی که نظام قانونمندسازی وجود دارد، تولرانس (تسامح و تساهل) در قبال این پدیده است و روسپیگری تعقیب نمی‌شود. تا حد شغل تلقی شدن جلو نرفته است، ولی نظارت بهداشتی بر آن وجود دارد.

### ۱-۶- اشکال روسپیگری

پدیده روسپیگری، در معابر عمومی، یا مؤسسات و یا مکانهای خاص در حاشیه یا داخل شهرها، یا به شکل روسپیگری، امکان اتفاق افتادن دارد.

شکل نخست روسپیگری خیابانی، از جرایم مشهود و خیابانی است که به اخلاق عمومی لطمه وارد می‌آورد. حتی در کشورهایی که روسپیگری جرم نیست، در معابر عمومی جرم است.

شکل دوم بسیار قدیمی است که در یونان و روم، مکانهای خاص یا شهرکهای خاص به روسپیگری اختصاص داشته است. در یونان در زمان حکومت Solon در قرن ششم قبل از میلاد، در آتن محل‌هایی به نام دیکتریوم (محل تجمع روسپیان) تأسیس شد. لویپانار در روم، شهر نو و شهرک جمشید در جنوب تهران نیز از جمله شکل‌های سنتی تجمع روسپیان بود. امروزه روسپیگری در مکان‌های خاص، در کشورهای دیگری هم هست مانند: سالنهای ماساژ، بارهای کافه‌ها در آلمان و ویتترین‌ها در هلند.

## جرم‌شناسی ۱۹۳۹

شکل سوم، روسپیگری خانگی است که روسپی از خانه خود با وسایل ارتباطی، جلب مشتری می‌کند. ارتباط و رابطه، لزوماً در رابطه جنسی، خلاصه نمی‌شود و اشکال جدیدی پیدا کرده است. رابطه جنسی از طریق اینترنت و تلفن هم جرم‌انگاری و در حکم آن دانسته شده است. از طریق تلویزیون، طرفین وارد پل‌هایی می‌شوند و با هم رابطه برقرار می‌کنند. در رأی دیوان فرانسه، هر تماس فیزیکی و جسمانی را گفته است.

## ۲- قوادی

### ۱-۲- تعریف قوادی

آن چه که در بحث روسپیگری توجه قانون‌گذار را به خود جلب کرده، قواد است. در روسپیگری، روسپی قربانی جامعه تلقی می‌شود. قربانی طلاق، ازدواج ناموفق و یا دوست ناباب.

در بسیاری از کشورها، خودفروشی عمل انحرافی است و جرم نیست. در کنار روسپی، مشتری را داریم که از این طریق نیاز جنسی را برآورده می‌کند. مشتری در نظام‌هایی که آن را جرم‌زدائی کرده‌اند، فاقد وصف مجرمانه است. اتفاقاً متقاضیان فحشا خیلی قابل توجه‌اند، مثلاً افراد عبوری مانند راننده‌ها و کاپیتان‌ها، چه بسا مردان متأهل وجود داشته باشند که با فحشا، تنوع‌طلبی خود را ارضاء می‌کنند. در جوامع غربی فحشا سوپاپ اطمینان برای جلوگیری از فروپاشی خانواده است. قوادی در همه نظام‌ها اعم از آن‌هایی که فحشا را جرم‌زدایی، قانونمند و یا جرم‌انگاری کرده‌اند، جرم است. شخص بهره‌کش جنسی، بهره‌بردار جنسی، نه تنها یک منحرف اجتماعی، بلکه یک مجرم است. قواد می‌تواند شخص حقوقی یا حقیقی باشد.

قوادی در مقام تعریف عبارت از مجموعه اعمالی است که فحشای دیگری را تحریک و مساعد می‌کند و با اغماض و گذشت با آن برخورد می‌کند.

## ۱۹۴۰ مباحثی در علوم جنایی

در فقه، قوادی، فعل جمع کردن دو نفر یا بیشتر به منظور لواط یا زنا است. این تعریف فقهی با مصادیق قوادی مطابق نیست.

قوادی در قانون مجازات اسلامی، متضمن قوادی محلی و سنتی است. امروزه صحبت از برده‌داری جنسی، بهره‌کشی جنسی و قاچاقچی جنسی می‌شود. فحشا دیگر به شکل سنتی نیست و به شکل برده‌داری نوین است.

## ۲-۲- انواع قوادی

روشی که اربابان برای بهره‌برداری اعمال می‌کنند، دو نوع است:

۱- قوادی اجبارآمیز (خشونت‌آمیز)

۲- قوادی مقرون به حمایت و کمک (حمایتی)

### ۱-۲-۲- قوادی اجبارآمیز

قوادی اجبارآمیز عبارتست از، تسهیل زمینه فحشای دیگری از طریق تأثیر گذاری بر رضایت او،

چه این تصمیم‌گیری موجب ضایع شدن رضایت (چه رضایت به اجبار و چه رضایت مخدوش) آزادانه نیست، بلکه تحقق فشار و اجبار است.

قوادی اجبار آمیز صدمه و لطمه علیه فرد و علیه تمامیت جسمی فرد می‌باشد. قواد درصدی می‌گیرد و روسپی تبدیل به کالا می‌شود. قوادی اجبارآمیز گاهی مستقیم جرم انگاری شده و گاهی جزء کیفیات مشدد است. اگر همراه با خشونت باشد نیز گاهی جرم مستقل یا جرم با کیفیت مشدد است.

استفاده از خشونت، مانورهای فریبکارانه، شکنجه و آزار و اذیت روسپی یا فرزندان یا خویشان او،

سوء استفاده از موقعیت قواد نسبت به کسی که تحت تکفل اوست (ولی یا قیم با سوء استفاده از وظایف رسمی و یا مقام پلیس) و اجبار از طریق توسل به سلاح سرد و گرم از جمله موارد کیفیات مشدد قوادی است.



## جرم‌شناسی ۱۹۴۱

شکل دیگر قوادی مشدد، قوادی سازمان یافته دارای بعد ملی یا بین‌المللی است. قوادی خشونت‌بار که شامل اشخاص می‌شود، چه زن، چه مرد، با خشونت، چه به صورت روانی و چه جسمانی، اراده شخص روسپی را زائل و او را مجبور به خودفروشی می‌کند. این جا فحشا اجباری است. قوادی توأم با فشار و الزام، نوعی بهره‌کشی و تجارت است، مضافاً این که جنبه شبکه‌ای، بانندی و سازمان یافته به خود می‌گیرد. در این صورت قوادان سازمان یافته، کشورهایی را انتخاب می‌کنند که دارای نوعی خلاء قانونی هستند، یعنی شرایطی که به عنوان بهشت کیفری و به دور از بیم مجازات می‌توانند به این کار اقدام ورزند.

پروتکل الحاقی کنوانسیون پالمو، در جهت پرکردن همین خلاءهای کیفری و هماهنگ‌سازی قوانین تدوین شده است.

قوادی خشونت‌آمیز، همراه با شکنجه، اعمال اذیت و آزار، سوءاستفاده از موقعیت و یا سوءاستفاده از شغل (پلیس، مدیر، ...) استفاده از اسلحه یا از طریق به ذله درآوری جنسی اتفاق می‌افتد. لذا فعل مادی قوادی خشونت‌آمیز اشکال متفاوت به خود می‌گیرد و می‌تواند خشونت سرخ یا سفید باشد. خشونت سفید، اذیت و آزارش معلوم نیست. در مواد ۵-۲۲۵، ۷-۲۲۵ و ۸-۲۲۵ قانون فرانسه به این نوع از قوادی اشاره شده است.

## ۲-۲-۲- قوادی حمایتی

قوادی حمایتی، یک قوادی محلی است. شخص قواد و روسپی به هم نزدیکند و با هم ارتباط دارند. این قوادی در جهت کمک و حمایت به روسپی و گرفتن پول از او است.

چنانچه شخص روسپی در جلب مشتری مشکل داشته باشد، قواد به او کمک می‌کند. قواد با رقبا مقابله می‌کند و در مقابل مشتریان خشن و ... حامی اوست. این نوع قوادی فاقد اجبار و الزام و با رضایت روسپی همراه است.

## ۱۹۴۲ مباحثی در علوم جنایی

نمونه بارز قوادی حمایتی و امدادی، قوادی در هتل یا خانه است که اتاقهایی را در اختیار می‌گذارند. اشاره ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی به مراکز فساد و فحشا، متضمن قوادی حمایتی است.

صرف‌نظر از اشکال قوادی (حمایتی و اجباری)، این پدیده در اغلب کشورها جرم‌انگاری شده و در این رابطه بین نظامهای دنیا اجماع وجود دارد، ولی در خصوص فحشا نظامهای مختلف، متفق‌القول نیستند.

رویکردهای نظامهای دنیا به فحشا به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- جرم‌انگاری (منع‌گرایی یا ممنوعیت) ۲- قانونمند سازی ۳- الغاء جرم

در نظام جرم‌انگاری پدیده روسپیگری در هر سه شکلش جرم‌انگاری شده است. روسپی، قواد و مشتری به عنوان سه کنشگر پدیده روسپیگری، هر سه عنوان مجرمانه دارند.

فحشا به اعتبار ملاحظات دینی و اخلاقی جرم است، اما سرکوب کیفری پدیده فحشا در نظامهای جرم‌انگار سبب نشده نرخ فحشا کاهش پیدا کند، چون روسپیگری و فحشا جرم «آپارتمانی» است و از رقم سیاه بالا رنج می‌برد. بالا بودن رقم سیاه نشان دهنده این حقیقت است که ضابطین در کنترل و کشف این پدیده ناموفق بوده‌اند.

سیاست جنایی ناظر به تعقیب کیفری که لاجرم منجر به زیرزمینی شدن و مخفیانه شدن فحشا می‌شود و از این طریق امکان نظارت جامعه و دولت بر این قبیل اشخاص غیرممکن می‌گردد و بنابراین زمینه‌های رواج بیماریهای مقاربتی به ویژه ایدز را فراهم می‌کند. لذا، رویکرد دوم یعنی قانونمندسازی و تحت نظارت در آوردن این پدیده را توسط نهادهای اداری - بهداشتی برگزیده‌اند، زیرا شفافیت بخشیدن و شناسنامه‌دار کردن این پدیده موجب می‌شود تا دولت با همکاری جامعه مدنی بتواند آثار نامطلوب آن را کنترل کرده و در مقام پیشگیری از پدیده فحشا اقدام نماید.

## جرم‌شناسی ۱۹۴۳

با قانونمندسازی و کنترل اداری و نه کیفری، بهتر می‌توان قوادی را مجازات کرد. در نظام‌های قانونمندسازی، کنترل و سرکوب کیفری جای خود را به ضوابط اداری، بهداشتی می‌دهد.

فحشا امری قدیمی است. در اینجا باید به وجود یک بدی اشاره کرد که ضروری است و حالا که وجود دارد باید کنترلش کرد. در بسیاری از کشورها در جهت کنترل اداری، محلات، خانه‌ها و مؤسسات خاص را به این کار اختصاص داده‌اند، افراد را شناسنامه دار کرده‌اند و ضمن نظارت بر محل و مکان، اشخاص روسپی را هم تحت کنترل درآورده‌اند.

در این نظامها، فحشا به عنوان پدیده انحرافی است، اما در عوض شخص مشتری مجرم نیست. تنها مانورهای جلب مشتری شخص روسپی در مکان‌های عمومی با حرکات خاص تحریک کننده، خلاف تلقی می‌شود.

از نظر تاریخی، کنترل مضاعف اداری، زمینه سوء استفاده ضابطین و مأموران شهرداری را فراهم و گمنامی روسپیان را مخدوش می‌کند. اقامت دادن روسپی‌ها در مکانهای خاص می‌تواند آنها را برای ابد در این شغل ابقا کند. در جهت مبارزه با آثار بر چسب زنده این رژیم، در پاره‌ای از کشورها که در آنها فحشا یک آفت اجتماعی است، فحشا را آزاد کردند و اذعان داشتند که راه مقابله با فحشا، مبارزه فرهنگی و نه اداری و کیفری است.

با این وجود همچنان در نظام‌های الغاگر، انجام مانورهای جلب مشتری، جرم است. قوادی جرم شدید است و شخص روسپی قربانی و بزه‌دیده تلقی می‌شود. روسپی، بزه‌دیده قواد است.

مبنای این نظریه را باید در جنبش فمینیستی که از اوایل قرن بیستم در انگلستان توسط خانم ژوزفین باتلر (butler) مطرح گردید، جستجو کرد. در این نظریه، معایب نظام قانونمند سازی را بیان کردند، در نظام قانونمند ساز، با اسکان در محل خاص و

## ۱۹۴۴ مباحثی در علوم جنایی

دریافت دفترچه ویژه، موقعیت روسپی تثبیت و شفاف می‌شود. از منظر افکار عمومی به او بر چسب می‌خورد و برگشت او به جامعه دشوار می‌گردد. عمل گذشته او از طرف جامعه نابخشوده باقی می‌ماند و اصلاح نمی‌شود.

روسی باید، مالیات و هزینه تأمین اجتماعی بدهد و دولت به جای کمک و حمایت، از کار او بهره‌برداری می‌کند.

جنبشهای فمینیستی برای اینکه این آثار را تعدیل کنند، پیشنهاد کردند که در پدیده فحشا، اقدامات کنترل کننده اداری نسبت به روسپی اعمال شود.

### ۲-۳- روسپیگری در کنوانسیون‌های بین‌المللی

برای اولین بار در سطح بین‌المللی، سازمان ملل در دوم دسامبر سال ۱۹۴۹ با تصویب کنوانسیون از رویکرد الغاگر تبعیت و ضمن جرم دانستن قوادی، روسپیگری را آزاد کرد و بهره‌کشی را جرم دانست.

**کنوانسیون ۱۹۴۹ سازمان ملل، برای مجازات قاچاق موجودات انسانی و بهره‌کشی از فحشای دیگری در ماده اول، اصل جرم انگاری و تعقیب کیفری قواد را پذیرفته، رژیم قانونمند سازی را منع کرده، و بر کمکهای اجتماعی اقتصادی به روسپیان برای خارج شدن از این فعالیتها تأکید کرده است.**

**در کنوانسیون ۱۹۷۹ سازمان ملل برای رفع هر گونه تبعیض علیه زنان که تاکنون به امضای ایران نرسیده است، به بهره‌کشی جنسی از زنان، پیشگیری از تجاوز کردن به جنس و جسم زن، پیشگیری از کالا و شیء کردن زن و اشکال مدرن برده داری و قوادی اشاره شده است.**

**در کنوانسیون ۱۹۸۹ سازمان ملل در رابطه با حقوق کودک که سه سال پس از تصویب با حق رزرو به امضای ایران رسید، اشاره شده که باید از بهره‌کشی جنسی کودکان و صغار از طریق اعمال کیفری و غیر کیفری جلوگیری شود.**

## جرم‌شناسی ۱۹۴۵

در ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق کودک که جنبه حمایتی دارد به منع استفاده از کودکان و صغار در تولید و قاچاق مواد مخدر اشاره شده است.

کنوانسیون سازمان ملل پالرمو ۲۰۰۰، راجع به بزهکاری سازمان یافته و فراملی است که فقط امضا شده و هنوز تصویب نشده است. در کنوانسیون پالرمو، به فحشا و قوادی فراملی اشاره گردیده و دارای سه پروتکل الحاقی است؛

پروتکل اول؛ راجع به پیشگیری و مجازات قاچاق اشخاص، بویژه زنان و کودکان پروتکل دوم؛ راجع به قاچاق مهاجران (ورود و خروج)

پروتکل سوم؛ راجع به مبارزه با قاچاق تسلیحات غیرمتعارف (اتمی، شیمیایی،

زیستی)

پروتکل اول به زنان و کودکان توجه خاصی کرده چون آسیب‌پذیرند. در کنوانسیون پالرمو فساد و فحشا جرم انگاری نشده، اما اشکال مختلف قوادی جرم انگاری شده است. در سال گذشته به دنبال بالاگرفتن بحث قاچاق زنان و کودکان، لایحه مبارزه با قاچاق انسان در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۵ قانونی شد.

(شورای نگهبان در موعد مقرر اظهار نظر نکرد و لذا مجلس لایحه را تأیید شده تلقی کرد). قانون مبارزه با قاچاق انسان از چند جهت قابل توجه است. در این قانون که ۹ ماده دارد براساس پروتکل الحاقی پالرمو و مفاد هنجاری و دستوری اسناد بین المللی چندین نوآوری شده است.

۱- ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق از ماده ۳a بند الف پروتکل الحاقی کنوانسیون پالرمو ترجمه و اصلاح شده است.

۲- ماده ۴، علاوه بر اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی را هم به عنوان مرتکب جرم قاچاق شناخته و بدین ترتیب به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است.

## ۱۹۴۶ مباحثی در علوم جنایی

۳- در ماده ۳، بین عناوین مجرمانه فقهی (قوادی، افساد فی الارض) و عناوین مجرمانه حقوقی که از کنوانسیون گرفته شده، تلفیق کرده است.

بند الف ماده ۱، قاچاق انسان را تعریف می‌کند، قاچاق انسان عبارت است از:

خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور، با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ یا با سوءاستفاده از قدرت یا از موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشاء یا برداشت از اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج.

در این تعریف به سوء استفاده از قدرت (از مقام سیاسی یا دولتی خود استفاده می‌کند برای عبور دادن، مثل پلیس)، سوء استفاده از موقعیت (والدین، سرپرستان، مدیر خانه‌های عفاف، قیم، شوهر، دوست، قواد حامی) و سوء استفاده از فرد یا افراد (سوءاستفاده از صغارت، حالت استیصال فرد، بهره‌برداری از افراد آسیب‌پذیر به خاطر سن و ...) اشاره شده است.

## ۲-۴- فحشا و حقوق بشر

حقوق بشر و حقوق کیفری ارتباط بیشتری با هم دارند (دادرسی عادلانه یا منصفانه)، آنچه حقوق بشر و حقوق کیفری را به هم ربط می‌دهد کرامت انسانی (human dignity) است.

کرامت، منزلت، حیثیت و شأن انسان در قانون اساسی و در اصول ۲۸ و ۲۹ و ۳۸، آن مورد تأکید قرار گرفته است.

شکنجه، اذیت و آزار متهم، خرید و فروش اعضا، جرایمی علیه کرامت بشر است. از جمله جرایمی که امروزه در قوانین کیفری مدرن به عنوان جرایم علیه کرامت برشمرده شده، جرم قوادی یا بهره‌کشی جنسی است. قوادی در گذشته به عنوان جرمی عادی در کنار فحشا مطرح شده بود ولی امروزه به عنوان جرم حقوق بشری مطرح است.

## جرم‌شناسی ۱۹۴۷

امروزه فحشای اجباری است که فرد را به خود فروشی مجبور می‌کند. چه شخصی که تن به خود فروشی می‌دهد و چه کسی که از آن استفاده می‌کند، تن به از بین بردن کرامت انسانی داده است، هر چند رضایت داده باشد. نه تنها توهین به خود او بلکه توهین به بشریت است. بزه‌دیده واقعی تنها خود او نیست بلکه بشریت است. خودکشی و روسپیگری اگر منع می‌شود برای آن است که فرد در مقابل اعمال خودش منع شود.

در مورد کرامت انسانی باید روی قوادی تأکید کرد. سازمان ملل متحد پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، در ۲ دسامبر ۱۹۴۹، کنوانسیون راجع به سرکوب تجارت موجودات انسانی و بهره‌کشی از فحشای دیگری را تصویب کرد. در این کنوانسیون افراد از خود فروشی و روسپیگری منع شدند، اگر چه افراد در مورد جسم خود آزادند و آزادی مورد تأکید است، با این حال موادی به ممنوعیت فحشا اختصاص داده شده است ولی به دولتها گفته نشده فحشا را در قانون خود جرم‌انگاری کنند. فحشا و روسپیگری در کنوانسیون چنین آمده است: فحشا و تالی فاسد آن یعنی قاچاق موجودات انسانی، با کرامت و ارزش انسانی مغایر است و موجب به مخاطره افکندن فرد می‌شود.

کنوانسیون ۱۹۴۹، فحشا را تحریم و ممنوع کرده ولی جرم‌انگاری نکرده است ولی در عوض به قوادی توجه کرده و قوادی را از مصادیق بارز لطمات علیه بشریت دانسته است. قواد کسی است که بدن انسان را از معنویت به مادیّت درمی‌آورد. ارزش معنوی به پولی تبدیل و کرامت انسانی که ذاتی است با این عمل پایمال می‌شود.

## ۳- سیاست جنایی و پدیده فحشا

تنوع رویکرد به پدیده فحشا به گزینه سیاست جنایی کشور مربوط می‌شود. سیاست جنایی عبارت از یک استراتژی حقوقی و اجتماعی است که مبتنی بر انتخابها و

## ۱۹۴۸ مباحثی در علوم جنایی

گزینه‌های ایدئولوژیک در سطح کلان، برای پاسخگویی به مشکلات ناشی از پیشگیری پدیده مجرمانه، سرکوبی پدیده مجرمانه و مجازات جرم می‌باشد.

- ۱- در بحث فحشا امر دایر بر این است که روسپی را تعقیب، کنترل یا آزاد کنیم؟
- ۲- آیا دولت را جلو بیندازیم، مقامات دولتی، مقامات قضایی یا مقامات اداری؟
- ۳- آیا در امر فحشا اولویت به پیشگیری یا سرکوبی است؟

در مورد روسپیگری گفته شد که مثل محوری است که حولش جرائم مختلفی وجود دارد و روسپیگری از جهات مختلف دینی، بهداشتی، اخلاق کیفری و ... قابل بررسی است.

با شکست نظام کیفری در مبارزه با فحشا و ترویج بیماریهای مقاربتی به دلیل زیرزمینی شدن، نظام جرم‌انگار جای خود را به نظام قانونمند ساز داد. به نظام قانونمند ساز ایراداتی وارد است و از دو جهت شخص روسپی قربانی می‌شود؛

- ۱- ایراد اول این که روسپی به لحاظ مارکدار و شناسنامه‌دار شدن، شانس بازگشت خود را به جامعه آزاد از دست می‌دهد، تالی فاسدش بر چسب زنی است و نجات این افراد غیر ممکن می‌شود.

- ۲- ایراد دیگر این که، جامعه دست به یک تفکیک می‌زند. جامعه فحشا را جدا می‌کند تا از بقیه دفاع کند و این نوعی آپارتاید است. درحالی که جامعه باید دفاع از جامعه را بدون تبعیض و با دفاع از کلیه افراد جامعه، حتی افراد منحرف، انجام دهد. در رویکرد سوم که همان رویکرد الغاگر و جرم‌زداست، چنین تلقی می‌شود که شخص روسپی اگر چه خود به تن و کرامتش لطمه می‌زند و چنین حقی را ندارد ولی به نام آزادی و متفاوت بودن آن را انجام می‌دهد. این یک عمل بد و انحرافی است، ولی جرم نیست، لذا نیازمند تدابیر بازپروری و اصلاحی و پاسخ‌های اجتماعی، بهداشتی و نه کیفری است.

## جرم‌شناسی ۱۹۴۹

با این وجود در این نظام نیز تمامی رفتارها، الفاظ و حرکاتی که منجر به جلب اشخاص دیگر به شخص روسپی می‌شود، جرم است و نباید نظم اجتماعی را نقض کند.

در نظام الغاگر، مؤسسه خاصی وجود ندارد. عمل ممکن است خانگی یا خیابانی باشد ولی نباید در جامعه باشد و سرانجام قوادی به هر شکلی جرم انگاری شده است.

طبیعتاً در نظامهای الغاگر به جهت مشکلات اقتصادی و بیکاری، علاوه بر شهروندان بومی، شاهد مهاجران مرد و زن خارجی هستیم که به جهت روسپیگری مهاجرت می‌کنند. به همین جهت در قوانین کیفری امروزی به جای قوادی سنتی، بهره‌کشی، تجارت یا قاچاق به عنوان اشکال نوین برده‌داری مطرح می‌شود.

قانون فرانسه در جهت به روز کردن عناوین مجرمانه مرتبط با پدیده فحشا، انواع فعل مادی قوادی را در ده بند نام برده است. قوادی سودجویانه (تقسیم درآمد ناشی از فحشا)، قوادی به منزله و به منظور دلالتی و قوادی به منظور توجیه منابع صوری و تطهیر پولهای کثیف، از جمله این عناوین مجرمانه به شمار می‌آیند.

بدین ترتیب، چنانچه سطح زندگی مادی شخص با درآمد رسمی ماهیانه‌اش تطابق و هماهنگی نداشته و همزمان با محیطهای فحشا و روسپیگری رفت و آمد داشته باشد، متهم به قوادی است و باید در دادگاه مشروعیت در آموزش را اثبات کند. چنین شخصی متهم است به تطهیر جرم و بار دلیل بر عهده او قرار می‌گیرد.

## ۳-۱- مبنای جرم‌زدایی پدیده روسپیگری در اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی به ویژه بعد از جنگ جهانی، جرم‌زدایی فحشا و در عوض جرم انگاری انواع قوادی و شکلهای جدید آن یعنی قاچاق و بهره‌کشی مطرح شد. مبنای این رویکرد چنین مطرح می‌شود که فحشا امری شخصی است و مادامی که به جامعه ضرر نمی‌زند می‌تواند آزاد باشد.

## ۱۹۵۰ مباحثی در علوم جنایی

کنوانسیون دسامبر ۱۹۴۹، مربوط به قاچاق انسان و بهره‌کشی جنسی می‌باشد. با این توصیف قوادی، جرم عادی و علیه اشخاص نمی‌باشد و مبحثی حقوق بشری است.

در این کنوانسیون، بحث درباره خود فحشا و خودفروشی مطرح شده است. بحث سر این است که انسان اختیار بدن و جسمش را دارد و با خودفروشی به خود ضرر می‌زند.

امروز اجاره رحم یا مادران حامل (جانشین) یعنی زنی که بدن خود را برای نه ماه در اختیار زوج قرار می‌دهد. مطرح شده است چنانچه مادر جانشین یا بیولوژیک (زیستی) با پدر و مادر قانونی اختلافی پیدا کنند قانون‌گذار چه باید بکند؟ اگر مادر زیستی، علاقه پیدا کرد، پدر و مادر اصلی چه کنند؟ آیا انسان می‌تواند، بدن خود را اجاره دهد؟

امروزه اجاره رحم قانونمند و تحت شرایطی پذیرفته شده و قانونگذار حکم آن را تعیین کرده است، اما در خصوص روسپیگری به طور ضمنی گفته زن روسپی، آزادی بدن خود را دارد، ولی جامعه باید پیشگیری کند و زمینه آنرا از بین ببرد.

با این وجود، دولتهایی هستند که کماکان خودفروشی را جرم می‌دانند و آن را جرم‌انگاری می‌کنند.

## ۳-۲- دلایل جرم‌انگاری پدیده روسپیگری

### ۳-۲-۱- دلیل اخلاقی و دینی

یکی از دلایل جرم‌انگاری پدیده روسپیگری، ممنوعیت خودفروشی به دلایل اخلاقی یا دینی است. در هیچ یک از ادیان، روابط نامشروع به شکل زنا و دون زنا و خودفروشی پذیرفته نیست.

۳-۲-۲- دلیل بهداشتی

دلیل دیگری که قانونگذاران، فحشا را جرم انگاری کرده‌اند دلیل بهداشتی است. رابطه روسپیگرانه، رابطه‌ای موقت است و می‌تواند موجب ترویج بیماری‌های مسری شود که نسل بشر را نابود می‌کنند. بیماریهای مقاربتی و ایدز از جمله بیماری‌هایی هستند که حیات انسان را تهدید می‌کنند. ایدز تا سی سال دیگر بعضی کشورهای افریقایی مانند تانزانیا و اوگاندا را از روی زمین برمی‌دارد. پس پیامدهای بهداشتی روابط حفاظت نشده، نه تنها برای اشخاص بلکه برای سلامتی خانواده‌ها و بشریت اهمیت دارد.

دلایل بهداشتی و مذهبی و به ویژه دلیل اخلاقی، از اولین دلایل ممنوعیت فحشا بود.

۳-۲-۳- دلیل سیاسی

می‌توان به دو دلیل سنتی پیشین، دلیل سیاسی را نیز اضافه کرد. دلیل سیاسی، از این جهت اهمیت دارد که در پدیده فحشا، نهایتاً انسان (روسی) استثمار، بهره‌کشی و تحقیر می‌شود. یک گروه، دیگری را مورد بهره‌کشی قرار می‌دهند و سبب می‌شوند عده‌ای به عنوان قواد دارایی نامشروع حاصل کنند. توزیع ثروت نابرابر، بی‌عدالتی اقتصادی ایجاد می‌کند و ثروتهای بلاجهت حاصل می‌گردد و سبب می‌شود اشخاص ضعیف بیشتر شوند. در این شرایط می‌توان به دیدگاههای جرم‌شناسی سوسیالیست استناد کرد. در این دیدگاه، جرم محصول جوامع سرمایه‌داری است. در جوامع سرمایه‌داری به علت نابرابری افراد، عده‌ای دیگران را استثمار می‌کنند و چون نابرابری اقتصادی ایجاد می‌شود، جرم که حاصل اصطکاک منافع است، پدیدار می‌شود. فحشا به عنوان یک انحراف اجتماعی محصول جوامع سرمایه‌داری است و در جوامع کمونیستی دیگر بحث فحشا منتفی است، چون اختلاف طبقاتی وجود ندارد. جرم محصول بهره‌کشی جنسی از توده مردم ضعیف است. بهره‌کشی جنسی همان نابرابری

جنسی است و جنس قوی‌تر از جنس ضعیف‌تر بهره‌کشی می‌کند. در چنین شرایطی باید روسپیگری را ممنوع و با آن مبارزه کرد تا قوادی از بین رود.

۳-۲-۴- ملاحظات نژادی و ایدئولوژیکی

دلیل دیگر ملاحظات نژادی و ایدئولوژیکی نظامهای سیاسی است که براساس نژاد حکومت می‌کنند، مثل نازیها ... حفظ خلوص و پاکی نژاد آن ملت، در این نظام‌ها در رأس امور قرار دارد. در اندیشه این دولتها، نژادی که برتر است، نباید با نژادهای دیگر مخلوط شود، زیرا خطر تخریب و تضعیف وجود دارد. در نظام ناسیونال سوسیال هیتلر، شدیداً با فحشا برخورد می‌شد. بدین جهت که از نژاد آنها فرزندی بوجود نیاید. در مواردی، زنان روسپی که مبتلا به بیماریهای مقاربتی بودند، محکوم به اتاق گاز(مرگ) می‌شدند زیرا برای نژاد ژرمن خطرناک بودند. قوادان هم شدیداً مجازات می‌شدند. همین دولت هیتلر در کشورهای، تحت اختیار خود مثل فرانسه پدیده فحشا را آزاد گذاشته بود.

۳-۲-۵- دلیل اجتماعی

دلیل دیگر دلیل اجتماعی است، زیرا پدیده فحشا بویژه اگر علنی باشد ناامن‌زا است. میانگین اخلاق جامعه را تنزل می‌دهد و بدین ترتیب افکار عمومی را تهییج می‌کند. لذا جرم انگاری فحشا سبب آرامش و امنیت افکار عمومی می‌شود.

۳-۲-۶- دلیل جرم‌شناختی

دلیل بعدی در جهت جرم انگاری فحشا، دلیل جرم‌شناسانه است. همان طور که می‌دانیم لومبروزو و فررو در کتاب زن بزهکار و زن روسپی، اعتقاد داشتند که فقدان زنان در دنیای بزهکاری با حضور آنان در فحشا جبران می‌شود، به عبارت دیگر فحشا جنبه زنانه بزهکاری است. درست است که زنان در جرایم ضرب و جرح، سرقت، کلاهبرداری و ... حضور کمی دارند ولی آن را با روسپیگری جبران می‌کنند. پدیده فحشا در جرم‌شناسی از ۴ جهت مورد توجه قرار گرفته است.

## جرم‌شناسی ۱۹۵۳

۱- به طور کلی فحشا، خود جرم زاست و در اطراف آن شبکه‌ای از جرایم به وجود می‌آید. تعدادی جرایم به پدیده فحشا چسبیده‌اند که لازم و ملزوم هم‌اند، مانند قوادی. جرم دوم، تحریک دیگران به منظور جلب مشتری یا عورت نمایی است.

جرم انگاری فحشا نوعی احساس امنیت بخشیدن به خانواده‌ها و اعضای جامعه است. به موجب همین دلیل، جرم‌انگاری فحشا، کارکردی آموزشی دارد. جرم‌انگاری فحشا، اهمیت دادن به رابطه مشروع و قانونی است و آن را ترویج می‌کند. مردم از حقوق جزا و دولت انتظاراتی دارند و قانونگذار ناگزیر از انجام آن است.

این که تا چه حد، جرم‌انگاری و تعقیب کیفری فحشا منجر به کاهش نرخ این جرم می‌شود، بحث دیگری است. دلایلی که گفتیم دلایل نظری بود، ولی این که تا چه اندازه کیفر جنبه بازدارنده دارد بحث دیگری است.

رویکرد جرم‌انگار، در اسناد بین‌المللی هم مورد توجه واقع شده ولی تنها پدیده قوادی تحت عنوان قاچاقچی و سوداگر SEX جرم‌انگاری شده و کنوانسیون‌هایی در جهت استثمار و بهره‌کشی جنسی تصویب شده است، شخص روسپی بزه دیده تلقی می‌شود که این نوعی بزه‌دیده‌شناسی حمایتی یا ثانویه است.

شخص روسپی به عنوان عامل پیدایش قوادی تلقی نمی‌شود و معتقدند، قواد شخص روسپی را به وجود می‌آورد. از این منظر قوادی جرم است و زنان روسپی مورد حمایت قرار می‌گیرند.

۲- دلیل دوم جرم‌شناختی در منع فحشا، در اثر جرم‌زای غیر مستقیم فحشا است که حول فحشا و به اقتضای آن اتفاق می‌افتد، مانند سرقت اموال مشتری توسط روسپی، ضرب و جرح روسپی توسط قواد، خشونت علیه زن روسپی، باج‌خواهی قواد از روسپی، سقط جنین و ...

۳- دلیل سوم، اعمال یا افعالی است که در حکم قوادی است ولی در ارتباط با روسپیگری شبیه جرم تطهیر است. به عنوان مثال شرکت‌هایی، برای مخدوش کردن

## ۱۹۵۴ مباحثی در علوم جنایی

منشاء کثیف پول‌های قوادی، برای شخص روسپی یا قواد به عنوان کارمند یا مهماندار و ... سند سازی می‌کنند.

این شرکت‌ها نقش واسطه را در جهت توجیه منابع مالی ایفا می‌کنند، زیرا شخص روسپی نیاز دارد این پول‌ها را پاک کند و در فعالیت‌های مشروع قانونی به کار اندازد.

۴- بین فحشا با برخی از جرایم مانند مواد مخدر رابطه علت و معلولی وجود دارد. قانونگذار ایران گاهی صحبت از فساد و فحشا می‌کند، بدین ترتیب گفته شده که روسپیگری چه خودش و چه آثارش جرایم دیگری را به همراه دارد.

## ۳-۲-۷- دلیل اقتصادی

از دلایل طرفداران جرم‌انگاری فحشا، دلیل اقتصادی است. دلیل اقتصادی خلاصه می‌شود در اینکه فحشاء و اعمالی که با خود فحشا ملازمه دارد مثل قوادی، مبلغ زیادی از پول را به جریان می‌اندازد. این پول‌های کلان پول‌های سیاه و کثیف است. برای کسب این پولها، اشتغالی نبوده و مالیاتی پرداخته نشده است. این اشخاص در جاهایی زندگی می‌کنند که دولت یارانه می‌دهد. مالیات نمی‌دهند ولی از تسهیلات دولت استفاده می‌کنند. با جرم‌انگاری فحشا باید درآمدهای باد آورده را از بین برد و پول سیاه را به مشروع تبدیل کرد. این اقتصاد موازی است که در کنار اقتصاد رسمی وجود دارد.

## ۳-۳- فحشاء در قوانین پاره‌ای از کشورها

پاره‌ای از کشورها مثل ایران، قوانین فحشا را از نظر اخلاق دینی جرم‌انگاری کرده‌اند.

پاره‌ای از کشورها، قوانین فحشا را از نظر جرم‌شناختی جرم‌انگاری کرده‌اند. این دسته از کشورها فحشا را حالت خطرناک و جرم‌زا دانسته‌اند که باید آن حالت را به عنوان جرم مانع و بازدارنده جرم‌انگاری کرد یعنی جرم‌انگاری نه به خاطر خود

## جرم‌شناسی ۱۹۵۵

فحشا بلکه به خاطر حالت خطرناک است. جرایم مانع مثل ولگردی، جرم‌انگاری حالات خطرناکند که استمرار آن حالات، منجر به ارتکاب جرایم مهم می‌شود.

ما جرم مستقلی نداریم و روسپی را به عنوان زنا یا دون زنا (موضوع ماده ۶۳۷ ق.م.ا) محاکمه می‌کنیم. به نظر می‌آید دادگاهها در عمل روسپیگری را در ماده ۶۳۷ ق.م.ا اعمال می‌کنند و دست به بزه‌کشی و عدم تجسس می‌زنند و رویه شغلی ندارند. بعضی بزه‌کشی و ماده ۶۳۷ ق.م.ا را اجرا می‌کنند و عده‌ای قضات کنجکاو، کشف ماجرا و اجرای حدود می‌کنند.

جرم انگاری و سیاست تقنینی در قبال فحشا یک مسأله است و سیاست جنایی قضایی یک مسأله دیگر که از یک معیار واحد تبعیت نمی‌کنند. حال که قانون‌گذار فحشا را روز آمد نکرده، وظیفه قاضی است که اجرای قانون را مطابق روز بکند. اینجا صحبت از سیاست جنایی قضایی و برداشت قاضی از قانون می‌شود. به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۵، ربا جرم انگاری شد و قبل از آن جرم ربا عملی مطرود بود. ربا، در سال ۷۵ جرم دانسته شده ولی تنها چند حکم در رابطه با این جرم صادر شده، زیرا اثباتش مشکل است، چون هر دو مجرمند و شاکی خصوصی کمتر دارد. البته بعد اجتماعی آن قوی‌تر از قانونی است و تبعات اجتماعی دارد.

در عمل هم کشورهایی که فحشا را جرم انگاری کرده‌اند دقت لازم را در تعقیبش ندارند.

فحشا تحت چه عنوانی جرم انگاری شده است؟ آیا خود کلمه فحشا و روسپیگری را جرم انگاری کرده‌اند یا آن را تحقق جرم دیگری دیده‌اند؟

تا سال ۱۳۸۳ قاچاق زنان، جرم مستقلی نبود، دادگاه‌ها متهم را به اتهام آدم ربایی متهم می‌کردند. در کشورهایی که خصیصه سرکوبگری کیفی دارند و دارای محدودیت آزادی و اقتدارگری فراگیر (توتالیترا) هستند، متمایلند که فحشا را زیر عنوان جرایم مشابهی مثل ولگردی جرم‌انگاری کنند.

## ۱۹۵۶ مباحثی در علوم جنایی

در کشور ویتنام فحشا جرم مشهود و تحقق عنوان فحشا، جرم‌انگاری شده است. در دانمارک فحشای به عادت و اتفاقی (مثلاً اعتیاد تفننی و مستمرانه) پیش‌بینی شده است. روسپیگری جرم به عادت نیست و با یکبار هم محقق می‌شود.

در آلمان فحشا با محل جغرافیایی مرتبط است. در محل خودشان جرم نیست ولی در خارج از آن جرم است.

قانون ۱۹۷۷ روسیه، فحشا را به عنوان جرم جنحه‌ای می‌داند و برای مبارزه با این پدیده پلیس خاص پیش‌بینی شده و بیشتر به عنوان افراد ولگرد یا سوداگر (حاشیه‌نشین) استفاده می‌شود. اما در اصلاح ۱۹۹۷، روسیه در قوانین جدید، عنوان فحشا یا فساد حذف شده، زیرا از کشور توتالیترا به مردمسالار تبدیل شده و از نظریه جرم‌زدایی استفاده می‌کند و نتیجتاً فحشا را یک جرم عمومی ندانسته است.

در تایلند، فحشا جرم سنگینی بود. در سال ۱۹۷۶، مبارزه با فحشا اولویت سیاست جنایی بود بطوری که کسانی که زنان روسپی را معرفی می‌کردند جایزه می‌گرفتند و چون کشوری فقیر بود معرفی‌ها بدون اینکه منجر به از بین رفتن جرم شود افزایش پیدا کرد. با افزایش ایدز و زیرزمینی شدن آن قانونی به تصویب رسید که به موجب آن کلیه زنان (اشخاص) روسپی می‌بایست، تست ایدز را انجام دهند.

در فرانسه چنانچه سطح زندگی شخص با دارایی و درآمد او تناسب نداشته باشد و در عین حال با محیط‌های فحشا، رفت و آمد داشته باشد، باید مشروعیت سرمایه‌اش را اثبات کند (مبارزه با تطهیر درآمدهای نامشروع و مجرمانه)

در امریکا، روسپی‌ها از کارفرمایان گواهی صوری اشتغال می‌گیرند و از مجازات فرار می‌کنند. در این ایالات فحشای به عادت را مجازات نمی‌کند. چون این گواهی، هویت شخص می‌شود (مثلاً خانم به صورت صوری پرستار است).

تفکیک روسپیگری به عادت و تفننی نشان می‌دهد مبارزه با این پدیده آسان نیست بدین ترتیب اشخاصی که گواهی اشتغال می‌گیرند چنانچه به صورت تصادفی



## جرم‌شناسی ۱۹۵۷

در حال جلب مشتری دستگیر شوند، خود را به عنوان روسپی اتفاقی معرفی می‌کنند و چون شغلشان صوری است، مجازات نمی‌شوند.

دانمارک، فحشا را به عنوان شغل تمام وقت جرم می‌داند (حرفه‌ای) اما به عنوان منبع درآمد کمکی و اتفاقی جرم نمی‌داند.

در ایالت باباریا، فحشا در جمعیت زیر ۳۰ هزار نفر جرم است. در جمعیت ۳۰ تا ۵۰ هزار نفر و مناطق روستایی، مقامات شهرداری و شورای شهر تصمیم می‌گیرند که جرم یا قانونی باشد. در جمعیت بالای ۵۰ هزار نفر جرم نیست و آزاد است. فحشا در ایالت باباریا، بستگی به منطقه جغرافیایی دارد.

## ۴- جایگاه فحشا در قوانین ایران

در کشور ما رویکرد اول یعنی جرم‌انگاری وجود دارد و هر سه کنشگر پدیده فحشا را مجرم می‌داند.

بنابراین فحشا در ایران جرم است.

در حقوق ایران در مواردی چند به فحشا اشاره شده است:

۱- ماده ۲۱۳ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ که اولین قانون مجازات در ایران می‌باشد، و در سال ۱۳۱۳ اصلاح شده، در رابطه با پدیده فحشا و حالات آن یک سلسله اعمالی را جرم‌انگاری کرده بود. از جمله حمایت از فاحشه که اولین نکته‌ای را که به ذهن متبادر می‌کند، مفهوم قوادی است که برای قوادی دو حالت در نظر گرفته شده بود: ۱- قوادی حمایتی ۲- قوادی به منظور بهره‌کشی (یعنی قواد از هم‌نوع خود برای معیشت خودش بهره‌کشی می‌کند).

در قوادی موضوع ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی، عمل جنسی زنا و لواط اصل است و روابط خارج از علقه زوجیت موضوعیت دارد، اما در ماده ۲۱۳ قانون مجازات عمومی، مابه‌ازاء مادی و امرار معاش از قبل روسپی و بهره‌کشی از او، اصل و ملاک می‌باشد.

## ۱۹۵۸ مباحثی در علوم جنایی

در قسمتی دیگر از ماده ۲۱۳ تشویق زن به مسافرت خارجه برای فاحشگی جرم دانسته شده که این ماده به زبان امروزی قاچاق انسان و قوادی بین‌المللی است.

۲- در ماده ۵ قانون اقدامات تأمینی ۱۳۳۹، اصطلاح «مجرم به عادت» به شخصی اطلاق شده که از طریق قوادی یا فحشا امرار معاش می‌کند. ماده نیز برای اولین بار اصطلاح قوادی را در کنار ولگردی و تکدی‌گری آورده و مشمول اقدام تأمینی دانسته است.

می‌دانیم که اقدامات تأمینی برای پیشگیری از تکرار جرم و انفجار حالت خطرناک و تبدیل آن به حالت مجرمانه است. اقدامات تأمینی دو خصوصیت دارد: معین نبودن و فاقد صبغه اخلاقی بودن و از نظر جرم‌شناسی منوط نبودن به ارتکاب جرم و حال اینکه از نظر حقوقی به موجب ماده ۱ ق. اقدامات تأمینی این اقدامات پس از وقوع جرم قابل اعمال است. ما در قانون اقدامات تأمینی ضمانت‌های احتیاطی داریم که صرف تهدید دیگری به قتل، نسبت به تهدید کننده قابل اعمال است (ق ۱۳۳۹) اما در قانون تعزیرات ۱۳۷۵ تهدید به جرم جرم‌انگاری شده است و به هر حال از نظر جرم‌شناسی تهدید دیگری به قتل حکایت از حالت خطرناک نزد تهدید کننده دارد و لذا حتی اگر این تهدید در قانون هم جرم نباشد از منظر جرم‌شناسی می‌تواند مشمول اقدامات تأمینی و به تعبیر فری و گاروفالو اقدامات اجتماعی قرار بگیرد.

۳- در قانون مجازات اسلامی مواد ۶۳، ۱۳۵، ۶۳۸ و ۶۳۹ در رابطه با پدیده فحشا و قوادی است. در مواد ۶۳۸ و ۶۳۹ ادبیات فقهی به حقوقی تبدیل گشته و ادبیات متفاوتی دیده می‌شود.

۴- در قانون اساسی در موادی از جمله در اصل ۲۱ به حمایت از زنان سالخورده، بیوه و بی‌سرپرست (که به نظر می‌رسد قانون‌گذار از نام بردن روسپی و امثال آن اکراه داشته)، اشاره می‌کند.

## جرم‌شناسی ۱۹۵۹

۵- قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ با هشت ماده بدون نام بردن از قواد، از فحشا و قاچاق صحبت می‌کند. در ماده ۱<sup>۱</sup> بند الف به قاچاق با سوءاستفاده از قدرت (abuse of power) که مصادیقش پلیس و مقامات رسمی دولتی، اعم از کشوری و لشکری هستند، با سوءاستفاده از موقعیت مانند سوء استفاده والدین، شوهر، قیم و ... یا با سوءاستفاده از وضعیت فرد مانند وضعیت صغارت، استیصال مالی، عقب‌افتادگی و ... اشاره می‌کند.

در ماده ۲<sup>۲</sup> بند الف، صرف تشکیل دسته و گروه کافی است، جرم تام است و نیاز نیست قاچاق در عمل انجام شود.

بند ب ماده ۲ به حالت سازمان یافته و شبکه‌ای اشاره دارد.

در بند ج ماده ۲ قاچاق غیرمجاز به قصد فحشاء هرچند با رضایت فرد جرم‌انگاری شده است.

## ۱۹۶۰ مباحثی در علوم جنایی

تفاوت بند ب و ج ماده ۲ در این است که، بند ب، حالت سازمان یافته دارد ولی بند ج ممکن است فردی باشد. در بند ب، به انتقال مجاز و غیرمجاز اشاره کرده در حالی که در بند ج تنها به انتقال غیرمجاز اشاره نموده است.

باید توجه کرد که در جرایم حقوق بشری جهت حمایت از کرامت بشری، رضایت مخدوش دانسته شده است. در اینجا هم قانون‌گذار ما چون روی فحشا حساس است، رضایت را بی‌اثر دانسته است.

نکته قابل توجه اینکه در این قانون، قاچاق انسان به قصد برداشت اعضاء و جوارح و ازدواج نیز جرم‌انگاری شده است در حالی که خود این اعمال در قوانین ما جرم نمی‌باشند. به ویژه ازدواج که مشروع و قانونی و مجاز است.

۶- در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی که جنبه اطلاعی و ارشادی دارد و ضمانت اجرایی ندارد، حقوق و تکالیف زنان تعریف شده که تا اندازه زیادی تکرار مواد قوانین مصوب مجلس است. در چند ماده از زنان حمایت کرده و به خشونت‌های خانوادگی، ممنوعیت زن ابرزاری، منع بهره‌کشی و تجارت زنان و ... اشاره کرده است.

۷- در بند ب ماده ۱۰ لایحه جرایم رایانه‌ای، به فحشا اشاره شده است.

۸- در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ که ایران در سال ۱۳۷۲ آنرا تصویب کرده، در موادی چند به این موضوع اشاره شده و قانون حمایت کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ از این کنوانسیون و پروتکل الحاقی ۲۰۰۰ آن الهام گرفته است. این قانون که ۹ ماده دارد، در واقع از آن دسته از مواد کنوانسیون حقوق کودک که از اطفال در برابر خشونت، شکنجه، بهره‌کشی اقتصادی، بهره‌کشی جنسی، کودک ربایی و آزار و اذیت حمایت می‌کنند، اقتباس شده است. به موجب ماده ۲ این قانون هرگونه اذیت و آزار که موجب صدمه جسمانی، روانی و یا اخلاقی طفل شود جرم

<sup>۱</sup> - ماده ۱- قانون مبارزه با قاچاق انسان عبارت است از:

الف: خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت خود یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب: تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقاصد.

<sup>۲</sup> - ماده ۲- اعمال زیر در حکم «قاچاق انسان» محسوب می‌شود:

الف: تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد.

ب: عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان‌یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هرچند با رضایت آنان باشد.

ج: عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشاء هر چند با رضایت آنان باشد.

## جرم‌شناسی ۱۹۶۱

تلقی شده است. و در ماده ۳ همین قانون با اقتباس از مواد ۱۹ و ۳۲ و ۳۴ کنوانسیون: هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور اعمال خلاف از قبیل قاچاق را ممنوع و برای مرتکبان مجازات تعیین کرده است.

نکته قابل توجه اینکه در ماده ۱ این قانون به پیروی از ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال را (صرفنظر از جنس آنها) مشمول حمایت کیفری این قانون قرار داده است.

۹- دولت برای جلوگیری از فحشاء اقدام به تصویب مقررات ویژه‌ای نموده است که از جمله آنها آیین‌نامه مراکز بازپروری زنان است که در تاریخ ۱۳۷۱/۷/۲۸ به تصویب رسید و در سال ۱۳۷۶ «آیین‌نامه اجرایی مراکز حمایت و بازپروری دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد و زنان آسیب دیده اجتماعی (ویژه)» سازمان بهزیستی، جایگزین آن شده است.

به موجب ماده ۲ این آیین‌نامه دو گروه از دختران و زنان مشمول حمایت قرار گرفته و در این مراکز نگهداری می‌شوند:

الف - دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد که به زنان و دخترانی اطلاق می‌شود که به دلایلی چون متشنج بودن خانواده، اغفال و ... فرار نموده، طرد شده، فاقد سرپرست یا سرپرستی مؤثر بوده و احتمال آسیب‌پذیری حاد و مبادرت به روابط نامشروع را دارند.

ب - زنان آسیب دیده اجتماعی (ویژه) که از طریق ایجاد روابط نامشروع کسب درآمد می‌کنند یا به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی پایبند نبوده و علی‌رغم مبادرت به روابط جنسی نامشروع انگیزه کسب درآمد ندارند.

به موجب آیین‌نامه مذکور زنان و دختران در معرض آسیب اجتماعی حاد به وسیله بهزیستی یا مراجع قضایی به این مراکز معرفی یا شخصاً مراجعه می‌نمایند و زنان ویژه پس از تحمل مجازات قانونی به علت فقدان مکان زندگی یا عدم پذیرش

## ۱۹۶۲ مباحثی در علوم جنایی

اجتماعی توسط مراجع قضایی به این مراکز معرفی یا به صورت خود معرف می‌توانند مراجعه نمایند.

این آیین‌نامه با ایجاد تسهیلات و ارائه خدمات مددکاری به این دختران و زنان زمینه‌های مناسب برای بازگشت به زندگی سالم و کسب درآمد مشروع و پیگیری برای حل مشکلات آنان را فراهم می‌سازد.

۱۰- همچنین، قوانین پراکنده داخلی به فحشا و عدم اشتهار به فساد اشاره کرده است مانند: ماده ۱۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری در شرایط شهود، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، در موارد سلب حضانت، ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی در محرومیت از قیمومت، لایحه قانونی استقلال کانون وکلا، در شرایط وکلا، و قوانین دیگر در بیان شرایط قضات، سردفتران اسناد رسمی، نامزدان شوراهای شهر و قانون استخدام کشوری.

همچنین قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۷۱ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۴، زنان پیر و سالخورده و سایر زنان و دختران بی‌سرپرست را مشمول دانسته که به نظر می‌رسد، به نوعی شامل اشخاص روسپی نیز بشود.

## منابع تکمیلی مرتبط با موضوع روسپیگری

### الف) مقالات

۱- فلاحتی، علی. روسپیگری و سکوت سنگین قانون، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۲.

۲- زینتی، علی. انحرافات زنان از عرصه فکر تا ورطه عمل، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۹.

### ب) کتاب‌ها

۳- پوشکان، غلامرضا. بررسی پدیده زنان خیابانی، نشر پردیس مهر، ۱۳۸۱.

۴- تبریزی، ایرج. تجارت زنان و دختران، فنون معاصر، ۱۳۷۸.

## جرم‌شناسی ۱۹۶۳

- ۵- تبریزی، ایرج. تجارت شیطنانی، نشر کیهان، ۱۳۷۹.
  - ۶- محمدی، زهرا. بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۱۳۷۰-۱۳۸۰)، روابط عمومی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، چاپ اول، ۱۳۸۳.
  - ۷- فارلی، ملیسا. «روسپیگری: امری مسلم بر تجاوز به حقوق بشر»، ترجمه دکتر مهدیس کامکار، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.
  - ۸- غلامی، حسین. «تکرار جرم بررسی حقوقی - جرم‌شناختی»، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- \*- برای آگاهی از فهرست کامل منابع مرتبط با موضوع «بزهکاری زنان و پدیده روسپیگری» رجوع شود به، قاسمی مقدم، حسن. بزهکاری زنان، تقریرات درس جرم‌شناسی، ۱۳۸۴-۱۳۸۳. دانشگاه امام صادق.